



# انترناسیونال ۴۸۰

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم جنبش  
بازگرداندن



حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

منصور حکمت hekmat.public-archive.net

جمعه ۳ آذر ۱۳۹۱، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۲ - ۱۶ صفحه

## کمونیسم کارگری در یک نقطه عطف تاریخی

مصاحبه با حمید تقوایی پیرامون سمینار  
"چشم انداز نزدیکی و اتحاد نیروهای کمونیسم کارگری"

به این سمینار چه بوده است؟ و کلا فکر میکنید برخورد نیروهای مختلف کمونیسم کارگری نسبت به

کارگری، که این سخنرانی شما و پرسش و پاسخ‌ها روی سایت‌های اینترنتی قرار گرفته است. ممکن است بگوئید اولین عکس‌العملها

انترناسیونال: شنبه گذشته شما سمیناری در شهر استکهلم برگزار کردید با عنوان "چشم انداز نزدیکی و اتحاد نیروهای کمونیسم

ادامه صفحه ۲

## سازمان ملل و بازی کثیف

سیاستی کثیف است. اما در گزارشهای این هفته آمده بود که سازمان ملل از جمهوری اسلامی "بخاطر اقدامات و تلاشهای علیه قاچاقچیان مواد مخدر تمجید و تجلیل کرده است". یک نماینده سازمان ملل میگوید "بیش از ۹۰

همیشه عکس آن صادق نیست. روشن است که دلالان مخدر برآستی سوداگران مرگ و نیستی اند. اما هر کس که صحنه اجتماعی و سیاسی ایران را بشناسد میدانند آنچه جنگ جمهوری اسلامی با "قاچاقچیان مواد مخدر" نامیده میشود نیز به همان اندازه خود مواد مخدر، جنگی کثیف و

کاظم نیکخواه

وقتی صحبت از مواد مخدر پیش می‌آید همه کس میدانند که سخن از موادی کثیف، کسب و کاری کثیف و پول و درآمدهایی عظیم و کثیف است. اما وقتی سخن از مقابله و جدال با قاچاقچیان مواد مخدر پیش می‌آید، الزاما و

ادامه صفحه ۳

## هدیان تاریخ!

میکشد و شبانه روز توسط پاسداران جمهوری اسلامی مراقبت میشود، باید در اوین فرزندان را ملاقات کند.



مصطفی صابر

جالب است که این فرستادن آقازاده‌ها به اوین در واقع دیالوگ "آقا" با رفسنجانی است. قدیم‌ها هر هفته همدیگر را ملاقات میکردند و سر سفره افطار گپ میزدند. حالا "دوست پنجاه ساله" با گذاشتن چاقوی اوین بیخ گلوی یار غار با وی سخن میگوید. رفسنجانی هم البته گرامر این زبان را خوب میداند. فعلا که دستش به جایی بند نیست علیرغم همه مجیز گویی‌ها از "رهبر"، لحظه‌ای فرصت را از دست نمی‌دهد تا با رندی خاص آخوندی اعلام کند که "بین فرزندان من و مردم تفاوت

این هفته رفسنجانی به اوین رفت تا از دختر و پسر زندانی اش عبادت کند! این همان رفسنجانی "مرد بحرانه‌ها" است. کسی که دستکم به اندازه خامنه‌ای و احمدی نژاد و باقی سردمداران جمهوری اسلامی بهترین فرزندان مردم را برای حفظ نظام روانه اوین کرد و دستش به خون خیلی‌ها آغشته است. اکنون ایشان در حالیکه هنوز هم مقام "رئیس مجمع تشخیص مصلحت" را یدک

ادامه صفحه ۶

## صفحات دیگر

تهاجم خونین به غزه! چرا امروز؟  
تقابلی خونین و ژورنالیسمی در مقابل حقیقت!

محسن ابراهیمی

تحولات سوریه در هفته‌ای که گذشت!

محمد شکوهی

بمب از آسمان و کشیدن جسد روی آسفالت

یاشار سهندی

محرم و کودک آزادی

مهراب دشتی

صیغه، نوع دیگری از بردگی جنسی

فرح صبری

## علیه جنگ در کردستان عراق فعالان باایستیم!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۶

در اعتراض به قتل ستار بهشتی،  
علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی

لیست میتینگ‌ها و آکسیون‌ها

صفحه ۵

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## کمونیسم کارگری در یک نقطه عطف تاریخی



حمید تقوائی

از صفحه ۱

بحثها و فراخوان این سمینار چه خواهد بود؟

حمید تقوائی: سمینار چهار روز قبل برگزار شد و هنوز زود است که نتایج آن را ارزیابی کنیم ولی اظهار نظرهایی که در این چند روزه روی یوتیوب و فیس بوک و سایتها مطرح شده است مثبت و دلگرم کننده بوده است. ایمیلهایی هم از چند نفر از کادریهای منفرد کمونیسم کارگری دریافت کرده ام که از این بحث استقبال کرده اند و بعضی هم ضمن تأیید این سیاست سئوالاتی در رابطه با چگونگی عملی کردن آن مطرح کرده اند. اگر این روند ادامه پیدا کند میتوان گفت چشم انداز امید بخش و دلگرم کننده ای در برابر ما قرار دارد. اجازه بدهید از این فرصت استفاده کنم و از همه رفقای که خود را به جنبش کمونیسم کارگری متعلق میدانند تقاضا کنم که در مورد بحثهای این سمینار بطور علنی و یا با ارسال ایمیل برای من اظهار نظر کنند. سئوالات و ملاحظات و پیشنهادهاتشان را مطرح کنند و به این ترتیب عملاً در پیشبرد این پروژه سهیم شوند. این دیالوگ و گفتگو زمینه های نزدیکی و اتحاد میان نیروهای کمونیسم کارگری را بیشتر فراهم خواهد کرد.

انترناسیونال: در سمینار به این اشاره کردید که عکس العمل دیگر نیروها هر چه باشد شما در هر حال

برای متقاعد کردن و همراه کردن دیگران با این سیاست است. ناکفته پیداست که برگزاری کنگره فراگیر که هدف عملی این طرح است منوط به شرکت اگر نه همه ولی بخش عمده ای از سازمانها و فعالین منفرد کمونیسم کارگری است. و ما - و نه فقط حزب ما بلکه همه موافقین و فعالین این طرح که امیدوارم بر تعداد آنها مدام افزوده بشود - میکوشیم این امر را متحقق کنیم.

انترناسیونال: شما در سمینار از جهت گیری و رویکرد تازه حزب در رابطه با نیروهای دیگر کمونیسم کارگری صحبت کردید. مضمون و مبانی این سیاست و رویکرد تازه چیست؟

حمید تقوائی: در یک سطح ماکرو و استراتژیک موضوع نزدیکی و اتحاد نیروهای کمونیسم کارگری پاسخی به شرایط و توازن تازه میان راست و چپ و کمپ بورژوازی و پرولتاریا در سطح جهانی است. من در سمینار توضیح دادم که چرا در دوره تازه ای که بعد از انقلاب تونس در جهان آغاز شده است، قطب سوم (در برابر دو قطب میلیتاریسم نوکسنرواتیستی و اسلام سیاسی در دوره بعد از ختم جنگ سرد) یعنی قطب کارگران و توده مردم معترض به وضعیت موجود نقش کلیدی ای در شکل دادن به تحولات پیدا کرده اند و چطور فضای سیاسی در دنیا به چپ چرخیده است. مضمون انقلابات و جنبشهای اعتراضی در شرق و غرب مستقیماً ضد سرمایه داری است و نه ضد فئودالی و یا ضد وابستگی و ضد استعمار و برای صنعتی شدن و رشد بیشتر سرمایه و غیره آنطور که در دوره ای طولانی در کشورهای جهان سوم شاهد بودیم و یا از نوع جنبشهایی علیه جنگ و سلاحهای اتمی و آلودگی محیط زیست و غیره که در غرب مشاهده میکردیم. دوره تازه، دوره تسلط بلامنازع سرمایه

داری بازار آزاد بر جهان و در عین حال دوره بحران عمیق اقتصادی و بی افقی ایدئولوژیک - سیاسی سرمایه داری جهانی و دوره شکل گیری اعتراضات توده ای به این وضعیت است. این شرایط سیاسی موقعیت تازه ای به چپ میبخشد و بخصوص چپ نوع کمونیسم کارگری را بمیدان می طلبد. در پایه ای ترین سطح طرح اتحاد برای حزب ما حلقه ای از پاسخگوئی به این شرایط تازه مبارزه طبقاتی در ایران و در سطح دنیا است. (من در سمینار این جنبه را باز کردم و اینجا لزومی به توضیح بیشتر نمی بینم. در متن کتبی بحث سمینار سعی خواهم کرد موضوع را بیشتر بشکافم.) جهتگیری و رویکرد و سیاست تازه حزب در قبال نیروهای کمونیسم کارگری از این تحلیل و ارزیابی ناشی میشود.

انترناسیونال: یک بخش مهم سمینار به ضرورت سیاسی اتحاد نیروهای کمونیسم کارگری در شرایط حاضر اختصاص داشت. اما بحث بیشتر روی شرایط جهانی متمرکز شد. شرایط سیاسی مشخص ایران را چگونه می بینند و ازین نقطه نظر نزدیکی و اتحاد نیروهای کمونیسم کارگری چه جایگاه و اهمیتی دارد؟

حمید تقوائی: متأسفانه در سمینار فرصت نکردم که بحث مربوط به شرایط سیاسی ایران و ضرورت نزدیکی نیروهای کمونیسم کارگری در این شرایط را آنطور که در نظرم بود باز کنم و توضیح بدهم. این سئوال شما بمن امکان میدهد در این مورد بیشتر توضیح بدهم.

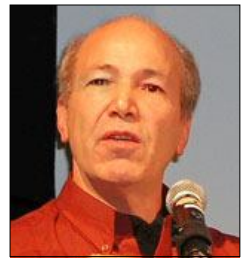
همه میدانیم جامعه ایران در آستانه تحولات زیر و روکننده ای قرار دارد. از یکسوق فقر و بیکاری و گرانی - که با تحریمهای اقتصادی به مرز غیر قابل تحملی رسیده است - در جامعه بیداد میکند و از سوی دیگر رژیم با یک تلاشی اقتصادی و بحران همه

جانبه سیاسی روبروست. دعوای میان باندهای حکومتی به نحو بیسابقه ای تشدید یافته است و دار و دسته های مختلف حکومتی "در سربالائی یکدیگر را گاز میگیرند"، بجان یکدیگر افتاده اند و دروغها، "بیکفایتی ها"، دزدیها و اختلاسهای همدیگر را رو میکنند.

این وضعیت قابل ادامه نیست. در چنین شرایطی کمونیستها موظفند برای دخالتگیری و تاثیرگذاری بر روند اوضاع خود را آماده کنند و نزدیکی و اتحاد و گردآوری هرچه بیشتر نیرو حول پرچم چپ و مشخصاً کمونیسم کارگری یک قدم اساسی در این راه است. ما میتوانیم و موظفیم که اجازه ندهیم نیروی چپ جامعه، همانند تجربه مصر و تونس و لیبی و امروز سوریه، در حاشیه تحولات بماند و نقش موثری بر روند اوضاع نداشته باشد. شرایط سیاسی ایران با کشورهای دیگر منطقه بسیار متفاوت است و یکی از این تفاوتها نفس وجود و حضور کمونیسم کارگری است. به نظر من کمونیسم کارگری در یک نقطه عطف تاریخی قرار گرفته است. باید شرایط خطیر و حساس کنونی را ببیند و صفوف خود را متحد و متشکل کند. اگر کمونیسم کارگری این ضرورت را ببیند و نیروهای خود را گرد آورد میتواند نقش بسیار فعال و تعیین کننده ای در تحولات سیاسی ایران داشته باشد. روشن است که حزب ما با تمام توان خود میکوشد این نقش را ایفا کند اما عرصه سیاست عرصه گردآوری نیروست. باید با تمام نیرو و ظرفیتهای بالفعل و بالقوه موجود به استقبال این شرایط رفت.

من در سمینار توضیح دادم که نزدیکی و اتحاد امروز کاملاً امکان پذیر است چرا که موضع و سیاست نیروها و احزاب مختلف

## سازمان ملل و بازی کثیف



کازم نیکفوا

از صفحه ۱

درصد محموله های تریاک توقیف شده در جهان و ۴۰ درصد محموله های هروئین توقیف شده در جهان توسط جمهوری اسلامی ایران بوده است.

بسیار خوب. چه نتیجه میگیرید؟ آیا واقعا باید به سیاست جمهوری اسلامی علیه مواد مخدر ایمان بیاوریم و از این سازمان قبول کنیم که اقدامات و سیاستهای جمهوری اسلامی قابل تمجید است؟ یا باید بر واقعیات غیر قابل انکاری که ۳۰ سال است شاهدیم اتکا کنیم و به این نتیجه برسیم که سازمان ملل نیز یک بازی کثیف است و وارد یک بازی کثیف شده است؟ مردم ایران قطعا به نتیجه دومی خواهند رسید. ممکن است بسیاری در ایران سازمان ملل را درست نیشناخته اند. ممکن است فکر میکردند که این سازمان مطلع و بی طرف و بهرحال طرفدار مردم است. اما این دیو خون آشام خبیث و سیاستهایی که مورد تمجید قرار گرفته را همه مردم ایران خوب میشناسند. در نتیجه همین یک خبر برای هرکدام از ما مردم کافی است که بفهمیم که سازمان ملل از چه قماش است.

## حقیقی که سازمان ملل به آن اشاره نمیکند

سازمان ملل میدانند اما نمیگویند که ایران بالاترین میزان

اعتیاد به مواد مخدر را دارد. سازمان ملل میدانند اما نمیگویند که بیشترین مواد مخدر جهان از طریق ایران وارد و صادر میشود. میدانند که سپاه قدس و بسیاری از کار بدستان جمهوری اسلامی در تجارت مواد مخدر مستقیما دست دارند. حتی رئیس جمهور این حکومت تلویحا به دست داشتن بخشهایی از سپاه پاسداران در کسب و کار قاچاق مواد مخدر اعتراف کرده است، اما سازمان ملل از این چشم پوشی میکند. سازمان ملل از یک جنایت بزرگ دفاع میکنند. این سازمان وقتی از اقدامات جمهوری اسلامی تمجید میکند دارد از ۵ برابر شدن اعدام ها در زندانهای ایران دفاع میکند. این سازمان میدانند که همین امسال حدود ۱۰۰۰ نفر و رسما بالای ۶۰۰ نفر در زندانهای جمهوری اسلامی به اتهام مواد مخدر اعدام شدند و بیش از ۳۰۰۰ نفر در صف اعدام قرار دارند. این سازمان میدانند و برایش مهم نیست که بسیاری از اعدام شدگان جوانانی بودند که شرایط فقر و فشارهای اجتماعی مختلف و سرکوب و تحقیر آنها را به اعتیاد رانده است. و میدانند که شماری از این اعدامیان، هیچ ربطی به مواد مخدر نداشتند و زیر شکنجه به اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر اعتراف کرده اند. میدانند که سن اعتیاد در ایران به زیر ده سال و دوازده سال رسیده است و بسیاری حقایق دیگر. اینها فاکتهایی روشن و شناخته شده برای بیشتر مردم در ایران است و نهادی مثل سازمان ملل با جزئیات و آمار و ارقام اینها را میدانند.

به این سازمان و سیاستگزاران و تمجید کنندگانش تنها میتوان گفت شرم بر شما که ادامه صفحه ۱۴

از صفحه ۲

کمونیسم کارگری نه تنها از نظر برنامه ای و بسیاری از مباحث و سیاستهای پایه ای (نظیر تفاوتهای ما و نظریه حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه و غیره) بلکه همچنین در سطح مشخص و تاکتیکی تری در قبال موقعیت جمهوری اسلامی، بحران اقتصادی و سیاسی آن، نیروهای اپوزیسیون راست، برخورد به مساله تحریمها و احتمال جنگ و غیره، همسان و یا بسیار نزدیک به هم است. امری که تا چند سال قبل بچشم نمیخورد. بنابراین شرایط سیاسی ایران نه تنها اتحاد هر چه وسیعتر نیروهای کمونیسم کارگری را ضروری کرده است بلکه امکان این اتحاد را نیز کاملا فراهم آورده است.

در یک سطح عمومی و کلان، این وضعیت مشخص کمونیسم کارگری در ایران خود در نقش و موقعیت سرمایه داری بحرانه و بی افق در سطح جهانی و انقلابات و جنبشهای ضد سرمایه داری در شرق و غرب ریشه دارد که بالاتر اشاره کردم.

انترناسیونال: از نظر اجتماعی زمینه های رشد و گسترش نفوذ کمونیسم کارگری چیست؟ نزدیکی و اتحاد نیروهای کمونیسم کارگری، چه تاثیری می تواند در این روند رشد و گسترش داشته باشد؟

حمید تقوائی: در جامعه ایران اساسا بخاطر بیش از سه دهه حکومت اسلامی که وحشی ترین و سرکوبگرترین دیکتاتوری سرمایه در تاریخ معاصر را نمایندگی میکنند چه نوع کمونیسم کارگری از زمینه بسیار مساعدی برای رشد و گردآوری نیرو برخوردارست. چه نوع کمونیسم کارگری یعنی چه ماکزیمالیست، دخالتگر و

## کمونیسم کارگری در یک نقطه عطف تاریخی

عملگرا، اکتیویست، انسانگرا، انقلابی و سازش ناپذیر. اینها صفاتی است که منصور حکمت کمونیسم کارگری را با آن توصیف میکند. این نوع کمونیسم نیاز مبرم جامعه ایران است. از یکسو تفاوت طبقاتی فاحش میان یک اقلیت ناچیز که پولش از پارو بالا میروید و اکثریت عظیمی که با فقر دست بگریبانست، و اعدام و سرکوب برای حفظ این وضعیت، در جامعه بیداد میکند و از سوی دیگر اعتراضات و مبارزات کارگران و زنان و جوانان یک دم از حرکت باز نمی ایستد و گرایش و تمایل وسیع به مدرنیسم و سکولاریسم و ضدیت با مذهب و درهم شکستن آپارتاید جنسی یک امر توده ای و فراگیر است. چنین جامعه ای دارد با هزار و یک زبان کمونیسم ماکزیمالیست و انسانگرا و انقلابی را بمیدان فرامیخواند. نیروهای کمونیسم کارگری هر چه متحد تر و یکصدا تر به این فراخوان پاسخ بدهند نقش موثر تری در روند اوضاع خواهند داشت. نه تنها جنبش کارگری بلکه جنبش آزادی زن، جنبش سکولاریسم و مدرنیسم، جنبش علیه اعدام و آپارتاید جنسی و دیگر جنبشهای اعتراضی در جامعه با دخالتگری و ایفای نقش فعال و متحد این جنبشها فعالند که خود را چه و کمونیست میدانند و حتی خود را با کمونیسم کارگری تداعی میکنند اما به سازمان و حزبی وابسته نیستند. حتی اگر قبلا بوده اند امروز نیستند. به نظر من نزدیکی و اتحاد و حتی حرکت سازمانهای کمونیسم کارگری در این جهت، بخش وسیعی از این رفقا را، در ایران و در عرصه های مبارزاتی در خارج کشور، به فعالیت متشکل و حزبی باز خواهد گرداند.

گردهمایی نیروهای کمونیسم کارگری یک گام مهم و تعیین کننده نه تنها برای تاثیر گذاری بر مبارزات و اعتراضات جاری، بلکه در کسب آمادگی برای رویارویی با تحولات آتی در ایران است. در شرایطی که نیروهای راست خود را برای ایفای نقش در سناریوهای بورژوائی آماده میکنند، حضور متحد و هر چه قدرتمند تر کمونیسم کارگری نقش کاملا تعیین کننده ای در خنثی ساختن این نیروها و پیشروی و پیروزی انقلاب آتی در ایران خواهد داشت. جامعه ایران در آستانه یک تعیین تکلیف سیاسی تاریخی قرار گرفته است. به سرعت یک بار دیگر مساله قدرت سیاسی در ایران باز خواهد شد و کارگران و توده های مردم بمیدان خواهند آمد. نباید اجازه داد آنطور که در مصر و تونس و لیبی اتفاق افتاد نیروهای راست و بورژوائی زمام امور را در دست بگیرند. جامعه ایران انقلاب نوع "بهار عربی" را در سال پنجاه و هفت از سر گذرانده است و این بار میتواند پرچمدار انقلابی باشد که خواست نان و آزادی و منزلت و عدالت اجتماعی و خلع ید سیاسی و اقتصادی از یک در صد سرمایه دار و اعمال اراده مستقیم توده نود و نه درصدی مردم در اداره امور جامعه را، که خواسته های مطرح شده جنبشهای جاری انقلابی و اعتراضی در غرب و شرق است، متحقق کند. این موقعیت خطیر و تعیین کننده ای است که کمونیسم کارگری و کل چپ ایران در آستانه آن قرار گرفته است. تلاش برای متحد ساختن نیروهای کمونیسم کارگری بخش مهمی از پاسخ ما به این شرایط خطیر و جزئی از مبارزه و فعالیت ما برای ایفای نقش موثر و تعیین کننده کمونیسم و کل چپ جامعه در تحولات سیاسی زیر و رو کننده ای است که در راه است.\*

# اعتراض اتحادیه اروپا به اعدام ها و مرگ ستار بهشتی!

پارلمان اتحادیه اروپا در نشست امروز خود (۲۲ نوامبر ۲۰۱۲) در شهر استراسبورگ، اعدامهای گسترده در ایران را محکوم کرد،

خواهان آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی شد و نگرانی عمیق خود در مورد قتل ستار بهشتی را ابراز کرد.

ment. MEPs are also deeply concerned about the death in prison of blogger Sattar Beheshti. and urge the Iranian authorities to conduct a thorough enquiry into the case.

Parliament also urges Iran to release all political prisoners and prisoners of conscience, including 2012 Sakharov Prize winner Nasrin Sotoudeh and cites concerns that she is being held in conditions detrimental to her health. It calls upon the Iranian authorities to allow both Nasrin Sotoudeh and Jafar Panahi to collect their Sakharov prize in December 2012 in Strasbourg.

منتشر شد.  
کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۲ نوامبر ۲۰۱۲  
متن قطعنامه اتحادیه اروپا

### Iran: mass executions and recent death of Sattar Beheshti

Parliament voices serious concern about the steadily deteriorating human rights situation in Iran, citing the growing number of political prisoners and prisoners of conscience, the high number of executions, including of juveniles, widespread torture, unfair trials and heavy restrictions on freedom of information, religion, assembly, expression, education and move-

طرف کمیته بین المللی علیه اعدام حضور داشت. مینا احدی بعد از قتل وحشیانه ستار بهشتی و اعدام ده نفر در زندان اوین، نامه سرگشاده ای به مارتین شولتز رئیس پارلمان اروپا در مورد اعدامهای گسترده در ایران و قتل ستار بهشتی نوشته بود که در یک گفتگو با دفتر رئیس پارلمان قرار شد که مینا احدی در نشست امروز شرکت کند.  
در پایان این نشست قطعنامه ای با عنوان "ایران: اعدام های جمعی و مرگ اخیر ستار بهشتی" از سوی اتحادیه اروپا تصویب و

آنها از سکوت طولانی مدت اتحادیه اروپا و یا تحریم اقتصادی که بضرر مردم است حرف زده و گفتند بین تهدید به حمله نظامی و یا تحریم اقتصادی باید راه حل دیگری را جستجو کرد.  
در صحبت های نمایندگان از اینکه باید عاملین قتل ستار بهشتی روشن شده و مجازات شوند صحبت میشد و اینکه نسرین ستوده و جعفر پناهی باید امکان سفر به بروکسل در ماه دسامبر برای دریافت جایزه ساخارف را داشته باشند.  
در این نشست مینا احدی از

امروز ساعت ۳ بعدازظهر در محل پارلمان اروپا در استراسبورگ، جلسه ای برای بررسی نقض حقوق بشر در ایران برگزار شد. در این جلسه که یکساعت بطول انجامید بیش از ده نماینده در مورد نقض وحشیانه حقوق انسانی در ایران، اعدامهای دسته جمعی، شکنجه و بی حرمتی به زندانیان و همچنین قتل ستار بهشتی به تفصیل صحبت کردند. چند نماینده با حمله به جنایات حکومت اسلامی، این حکومت را فاشیست و دیکتاتور نام نهاده و خواهان تغییر در سیاست اتحادیه اروپا شدند.

## علیه اعدام

مردم!

به اعدام نه بگویید. به اعدام کنندگان نه بگویید. جلوی کشتار دولتی را بگیرید. ارادلی را که در کنار چوبه های دار عریده کشی میکنند طرد کنید! همچون مردم سیرجان چوبه های دار را باید بر سرشان خراب کرد! اعدام قتل عمد دولتی است. اعدام ابزار قدرتمندی حکومت جنایتکاران سرمایه دار علیه خود شماس. ندیده ایم که هروقت میخواهند اعتراض و مبارزه کارگران و زنان و جوانان علیه فقر و گرسنگی و بیکاری و زندان را عقب برانند، چوبه های دار را برپا میدارند و اعدامها را گسترش میدهند؟

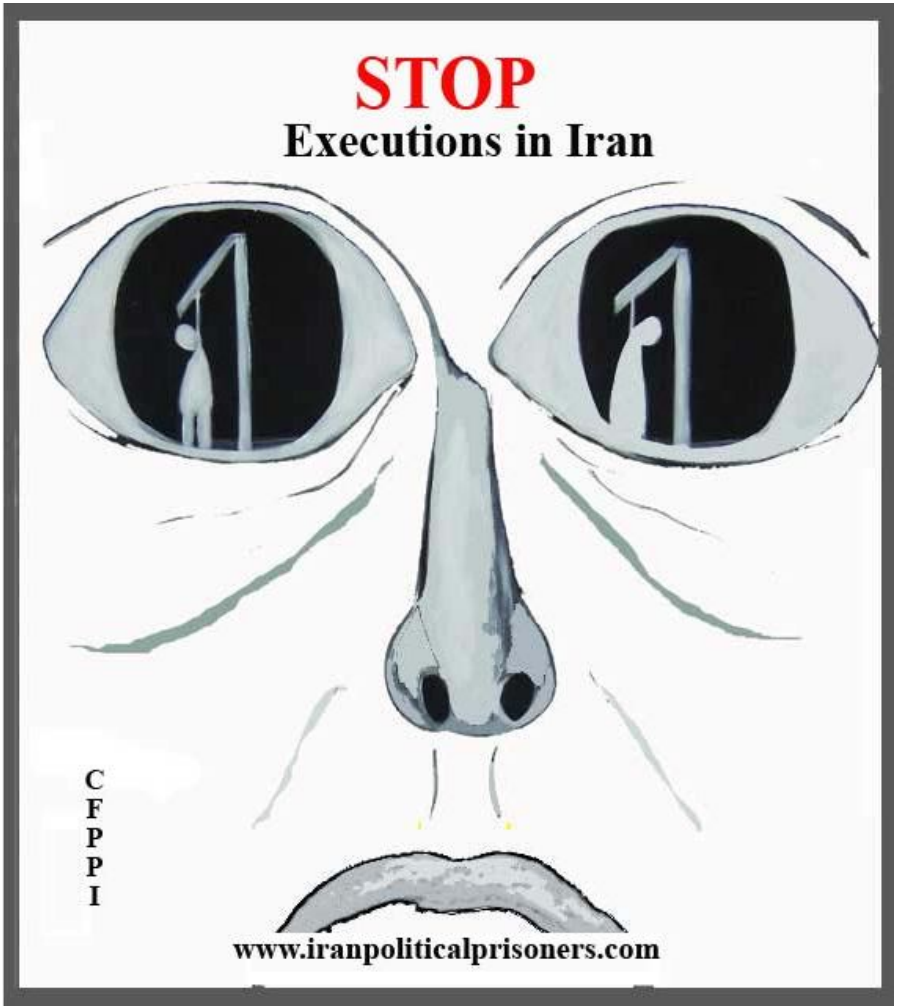
میگویند اعدام برای نجات جامعه از قتل و جنایت ضروری است. این یک دروغ بزرگ است. کدام جامعه تاکنون با اعدام و انتقام، از جنایت رها شده است؟ ریشه همه جنایتها خود حاکمیت ناعادلانه یک دسته مفتخور و دزد بر اکثریت جامعه است. ریشه جرم و جنایت و قتل حاکم شدن یک مشت قاتل و دزد بر اکثریت جامعه است. همین ریشه را باید خشکاند. برای خلاصی از جنایت و قتل در قدم اول باید قاتلین و دزدان را از قدرت بزیر کشید.

حزب کمونیست کارگری ایران

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

تلفن تماس با حزب کمونیست کارگری ایران ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

کانال جدید را به دیگران معرفی کنید.



# در اعتراض به قتل ستار بهشتی، علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی

## لیست میتینگ ها و آکسیون ها

از همه مردم آزاده و مخالفین جمهوری اسلامی میخواهیم هرچه گسترده تر در این آکسیون ها که توسط نهادهای مختلف از جمله کمیته بین المللی علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کمپین برای آزادی کارگران زندانی، میهن فری ایران، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و حزب کمونیست کارگری ایران اعلام شده است، شرکت کنید. میتوانیم به اعدام ها پایان دهیم و عزیزانمان را از زندانها بیرون بکشیم. اینها که اعدام میشوند جوانان محروم ما هستند. همه موظفیم مانع این کشتار بیرحمانه جوانان شویم. بلند شویم و خواهان لغو مجازات ضد انسانی اعدام شویم. بلند شویم و خواهان آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی از زندانها شویم. وقت همبستگی گسترده با مردم ایران برای سرنگونی حکومت نکبت اسلامی است.

بعد از ظهر  
مکان: Am Ziegenmarkt  
اشتوتگارت: شنبه ۲۴ نوامبر  
جزئیات بیشتر متعاقبا اعلام میشود

**مونیخ- آلمان**  
شنبه ۲۴ نوامبر  
جزئیات بیشتر متعاقبا اعلام میشود

**استرالیا**  
روزهای ۲۶ و ۲۷ نوامبر میز  
اطلاع رسانی در سومین کنفرانس  
همبستگی جهانی لیبر استارت در  
سیدنی توسط ارسال ناظری  
همکار کمپین برای آزادی کارگران  
زندانی به منظور انعکاس صدای  
اعتراض شاهرخ زمانی، رضا  
شهابی و سایر کارگران زندانی و  
کلیه زندانیان سیاسی  
پنجشنبه ۲۹ نوامبر ساعت ۱۲  
ظهر  
مکان: مقابل پارلمان استان نیو  
سات ولس در خیابان مک کواری  
تلفن تماس: ارسال ناظری  
۰۴۱۳۴۶۷۲۴۳

## ارسال ۲۰۰۰ هزار اس ام اس در اعتراض به اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی

در این هفته در ابتکاری جالب از سوی جمعی از کارگران پالایشگاه آبادان ۲۰۰۰ اس ام اس با شعارهای "نه به اعدام"، "کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "ما مرگ ستار بهشتی را محکوم میکنیم"، در سطح پالایشگاه و در سطح شهر و شماره

در این هفته در ابتکاری جالب از سوی جمعی از کارگران پالایشگاه آبادان ۲۰۰۰ اس ام اس با شعارهای "نه به اعدام"، "کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "ما مرگ ستار بهشتی را محکوم میکنیم"، در سطح پالایشگاه و در سطح شهر و شماره

۰۷۰۸۵۴۴۵۲۹  
نازنین صدیقی ۰۷۰۴۹۱۴۰۷۲

**اسلو- نروژ**  
شنبه ۲۴ نوامبر ساعت ۱ تا ۳  
بعدازظهر  
مکان: در مقابل پارلمان نروژ  
تماس: سرور کاردار  
۰۴۱۳۳۳۲۶۸

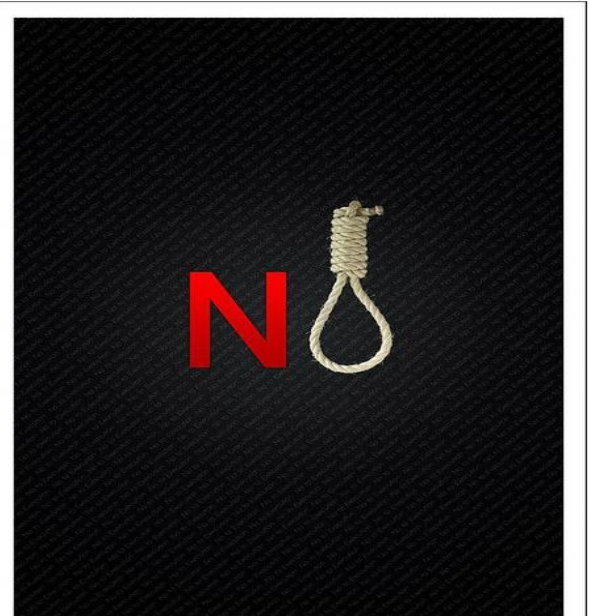
**هارشتات- نروژ**  
شنبه ۲۴ نوامبر ساعت ۱ تا  
بعدازظهر  
مکان: مرکز شهر

**واشنگتن- آمریکا**  
یکشنبه ۲ دسامبر، ساعت ۱  
بعدازظهر  
مکان: تقاطع M Street و  
Wisconsin Avenue NWIN  
Georgetown  
فراخوان دهنده: میهن فری ایران  
تماس: ماریا روحالی  
۱۲۴۰۵۹۵۲۶۳۳  
Maria.rohaly@gmail.com

**برلین- آلمان**  
شنبه ۲۴ نوامبر از ساعت ۱ تا ۳  
بعد از ظهر  
مکان: Joachimstalerplz. ( am  
Ubahnhof Kurfürstendamm)  
فرانکفورت: شنبه ۲۴ نوامبر  
ساعت ۲ بعدازظهر  
مکان: An der  
Hauptwache  
تماس: ۰۱۵۷۷۴۶۵۰۱۸۶

**کلن- آلمان**  
شنبه ۲۴ نوامبر ساعت ۳ تا ۵  
بعد از ظهر  
مکان: Dom Platte روبروی  
کلیسای بزرگ کلن

**برمن- آلمان**  
شنبه ۲۴ نوامبر از ساعت ۳ تا ۵



کمرشیل  
شماره تماس: ۶۰۴۷۲۷۸۹۸۶  
**استکهلم- سوئد**  
زمان: شنبه ۲۴ نوامبر ساعت ۲  
بعدازظهر  
مکان: مقابل پارلمان  
برگزار کننده: کمیته بین المللی  
علیه اعدام  
تلفن تماس: هرمرز رها  
۰۷۳۷۸۹۶۶۵۰۵

**مالمو- سوئد**  
زمان: شنبه ۲۴ نوامبر ساعت ۱  
تا ۳ بعد از ظهر  
مکان: Triangeln  
تلفن تماس: حسن صالحی  
۰۷۰۳۱۷۱۱۰۲  
شهاب بهرامی ۰۷۳۹۸۰۹۳۳۹

**گوتنبرگ- سوئد**  
زمان: شنبه ۲۴ نوامبر ساعت ۲  
بعدازظهر  
مکان: Kungsporsplatsen  
روبروی سالوهالن  
تلفن تماس: سوسن صابری

**لندن- انگلستان**  
زمان: شنبه ۲۴ نوامبر ۲۰۱۲  
ساعت ۲ الی ۴ بعد از ظهر،  
مکان: لندن- میدان پارلمان،  
مقابل پارلمان  
برگزار کننده: کمیته مبارزه برای  
آزادی زندانیان سیاسی  
تلفن تماس: علیرضا رشیدی  
۰۷۷۱۲۸۱۰۶۷۵  
شیوا محبوبی ۰۷۵۷۲۳۵۶۶۶۱

**تورنتو- کانادا**  
زمان: شنبه ۲۴ نوامبر ساعت ۳  
تا ۵ بعد از ظهر  
مکان: میدان میل لستمن  
برگزارکننده: کمیته بین المللی  
علیه اعدام - تورنتو  
تلفن تماس: نسریین بشارت  
۶۴۷۹۹۵۳۴۳۱  
Besharat\_nasrin@yahoo.com

**ونکوور- کانادا**  
شنبه ۲۴ نوامبر، شب همبستگی  
با زندانیان سیاسی و علیه اعدام  
در ایران  
از ساعت ۶ و نیم بعدازظهر در  
پاتوق ونکوور، همراه با نمایش فیلم  
"شهریاری"  
مکان: "موزائیک"، خیابان گرانت و

## هذیان تاریخ!

از صفحه ۱

نیست!

ناظرین فوراً ترجمه میکنند که اینگونه ژست های رفسنجانی نشانه های کفش و کلاه کردن او برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی و بازی در صحنه جدال بر سر قدرت است. بعد البته مجلس اسلامی را نشانمان میدهند که همین روزها به عجله در صدد سرهم بندی کردن قانون جدیدی برای انتخابات ریاست جمهوری است که از جمله حداکثر سن ۷۵ سال را برای کاندیدها تعریف کند. میگویند این بویژه بخاطر ممانعت از شرکت رفسنجانی ۷۸ ساله در انتخابات است! آری، آن از سرنوشت "مرد بحران" ها و این هم از مبارزه انتخاباتی به سبک جمهوری اسلامی!

موضوع مهمتر در پس اینها البته چیزی دیگری است. همه میدانند که دیگر فقط کنار رفتن حجاب زنان، آب بازی جوانان، اعتراضات دانشجویی، اعتصابات کارگری، خشک شدن دریاچه اورمیه، مسابقات فوتبال و هر اجتماع مردم نیست که مساله امنیتی رژیم است. بلکه حالا همه چیز از اقتصاد و بازار و دلال ارز تا سیاست خارجی و مذاکره با آمریکا تا انتخابات و مجلس و تا امثال تاج زاده و موسوی و خاتمی و حتی تا احمدی نژاد و آنها که جواب احمدی نژاد را در مجلس میدهند و تا به اوین رفتن رفسنجانی برای جمهوری اسلامی "امنیتی" است. همه چیز امنیتی شده است. از هوای کثیف تهران تا گوجه فرنگی که کیمیا شده است. تنها چیزی که هنوز "امنیتی"، "بی بصیرت"، "مشکوک"،

دیگر حتی جام زهر سر کشیدن هم برای جمهوری اسلامی لوکس و نامربوط بنظر میرسد. جام زهر سر کشیدن بالاخره شرایطی دارد. دستکم به وجود يك خمینی نیاز هست که در بین لمپن های اسلامی که برای سرکوب انقلاب ۵۷ به قدرتشان رسانند اتوریتته داشت. حالا آن جنبش خود صد پاره و رسوا شده، بخش عمده اش به اپوزیسیون رانده شده است. الان خامنه اگر تهدید اوین و حکم حکومتی را یک روز از بالای سر همان احمدی نژاد و لاریجانی اش بردارد معلوم نیست روز بعد چه بلایی سر حکومتش می آید. بنا بر این چه تضمینی هست که بعد از جام زهر سر کشیدن بماند؟ اصلاً خود جام زهر و اینکه چه کسی در سر کشیدنش پیشقدم باشد و چطور از حلقوم نظام پایین برود به موضوع مناقشه و رقابت و در واقع به امنیتی ترین مساله تبدیل شده است.

بدین ترتیب جمهوری اسلامی هیچ راه پس و پیشی ندارد. نه جام زهر چاره ساز است و نه هیچ چیز دیگر. این رژیم دیگر شبیه هیچ چیز، حتی شبیه خودش هم نیست. باید نام جدیدی برای آن پیدا کرد. شاید چیزی نظیر هذیان تاریخ. جامعه ایران تب شدیدی دارد و در آتش تناقضات خود میسوزد و فعلاً و تا اطلاع ثانوی آنچه که می بینیم هذیان و کابوس ناشی از این تب است که بصورت جمهوری اسلامی و اعدام و زندان و اوین و یقه پاره کردن های اوپاش اسلامی و نهیب خامنه ای خود را نشان میدهد.

این هذیان بر خلاف تصویر جمهوری اسلامی از خود، عبارت از اوارد نازل شده از آسمان به زمین و یا حکومت امام زمان نیست. بلکه محصول شرایط تاریخی و مشخصاً انعکاس بن

دادن کنترل و استیلای خود بر زندگی است که به چنین هذیانی هنوز امکان میدهد که طرف حساب و معامله قدرتهای جهانی بورژوازی باشد.

پایان دادن قطعی به هذیان تاریخی که جمهوری اسلامی نام دارد کار ما است. کار کارگران و توده های عظیم جامعه که تحت ستم و استثمار و تبعیضند و نفعی در اوضاع موجود ندارد. همان نیرویی که این هذیان را برای مهار اعتراض و انقلاب و قدرت بالقوه اش ساخته اند. تا وقتی این نیروی اجتماعی خود را در ابعاد مختلف و بخصوص بصورت یک نیروی سیاسی فعال و دخالتگر و تحریک یافته به میدان نیارود و قدرت سیاسی را در کف خود نگیرد، جامعه متاسفانه در بیماری و تب و کابوس های ناشی از حاکمیت سرمایه بردگی مزدی دست و پا خواهد زد.\* (۲۱ نوامبر ۲۰۱۲)

بست و ارتجاع بورژوازی و سرمایه داری بطور کلی است. جمهوری اسلامی از ابتدا نیز وصله نجسبی به جامعه امروز بود. قابل تولد شوم آن نا علاجی بورژوازی در مقابل عروج و به میدان آمدن آزادیخواهی و برابر طلبی کارگران و توده های وسیع مردم در انقلاب ۵۷ بود. این بیربطی جمهوری اسلامی به دنیای امروز، و باید گفت تحمیل شدن آن به زندگی بشر، در جریان انقلاب ۸۸ کاملاً تشدید و در پیشگاه جهان عیان شد و بدنبال انقلابات منطقه و جنبش های جهانی در ۲۰۱۱ دیگر به هذیانی تمام عیار که اکنون شاهدیم "ارتقاء" یافت. در همین لحظه هم راز بقای این موجود کریه، جانی و غریب اساساً در این است که بورژوازی هنوز ترجیحش این است که آنرا استحاله، وصله پینه و سربراه کند. در واقع این وحشت بورژوازی از انقلاب کارگران و مردم و از دست

## قبض ها را نپردازید

مبارزه علیه افزایش قیمت گاز و آب و برق و نپرداختن قبض ها چنان گسترش یافته است که جمهوری اسلامی توان مقابله با آنرا ندارد. وقت آن است که همه مردم از پرداخت قبض ها خودداری کنند و خواست رایگان شدن این خدمات را با صدای بلند اعلام نمایند. نه تنها آب و برق و گاز، بلکه طب و آموزش و پرورش نیز باید رایگان شود. این حق ابتدائی همه مردم است. هرماه میلیاردها دلار صرف زندان ها و سرکوبگران، صرف تروریسم و گله آخوند و امام جمعه ها میشود. با گوشه ای از این پولها میتوان همه این خدمات را رایگان کرد و یکبار برای همیشه به این مشکل عظیم مردم فقیر و محروم پایان داد.

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد حزب کمونیست کارگری

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

تلفن تماس با حزب کمونیست کارگری ایران ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

کانال جدید را به دیگران معرفی کنید.

# نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

## پیرامون دور تازه جنگ و کشتار در فلسطین و اسرائیل



چند روز است که به دنبال شلیک موشک های حماس به شهرهای اسرائیل، ارتش این کشور به حملات گسترده هوایی به غزه دست زده است. در این حملات تعداد زیادی از مردم محروم فلسطینی کشته شده و تعدادی از شهروندان اسرائیلی نیز در حملات موشکی حماس جان خود را از دست داده اند. حمله به مردم غیر نظامی و بمباران و موشک باران مناطق مسکونی که بویژه در ابعادی مخرب و وحشتناک از سوی ارتش اسرائیل علیه ساکنین بی پناه غزه صورت میگیرد باید از سوی همه مردم آزادیخواه دنیا بشدت محکوم شود. این کشتارها باید فوراً متوقف شود.

شواهد اما نشان میدهد که درگیریهای روزهای گذشته میتواند به جنگی وسیعتر و تمام عیار بین دولت اسرائیل و حماس منجر شود که مثل همیشه بویژه فاجعه ای برای مردم غزه خواهد

بیخانمانی مردم فلسطین و جنایاتی که دولت اسرائیل با حمایت دولت آمریکا و سایر دول غربی علیه آنها مرتکب شده و میشود زخمی بر پیکر بشریت است که باید هرچه زودتر التیام یابد. اما نیروهای اسلامی و ارتجاعی در فلسطین و خاورمیانه و حامی اصلی آنها جمهوری اسلامی ایران نیز بقاء خود را در عمیق ساختن و تازه کردن این زخم می بینند. جنایات های روزهای اخیر دولت اسرائیل و حماس یک بار دیگر بر این ضرورت تاکید میگذارد که کارگران و مردم آزاده در اسرائیل و فلسطین و منطقه و سراسر جهان باید برای حل مساله فلسطین بر مبنای تشکیل دولت متساوی الحقوق فعالانه تر از هر زمان به میدان بیایند و مقابل هردو سوی این کشتاکش ضد بشری بایستند.

بارها نفرت خود را از تداوم این جنگ و درگیری ابراز و اعلام کرده اند. به این دور باطل جنایت و کشتار و نفرت پراکنی قومی و ملی فقط ما مردم میتوانیم پایان دهیم. محرومیت و مشقت و

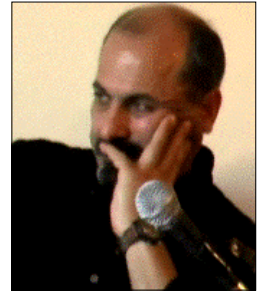
جنگ و بمب و گسترش نفرت ملی و قومی دارد. هر بار شاهد این هستیم که بمب و موشک و جنایت یک طرف به طرف دیگر برای جنایت بیشتر خوراک میدهد و قربانیان آنها مردم فلسطین و همچنین مردم اسرائیل هستند که



حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ نوامبر ۲۰۱۲  
۲۷ آبان ۱۳۹۱

# زنده باد سوسیالیسم!

## تهاجم خونین به غزه! چرا امروز؟ تقابلی خونین و ژورنالیسمی در مقابل حقیقت!



محسن ابراهیمی

شهر غزه را بزرگترین زندان فضای باز جهان نامیده اند. در این زندان، ۱۰۷ میلیون جمعیت محصور در فضایی کمتر از نصف شهر تهران در اشغال دوره بدوره، در محاصره دائمی اقتصادی و در وحشتی پایان ناپذیر از تهاجم ماشین نظامی غول پیکر اسرائیل به خانه و زندگی‌شان محبوسند. زندان غزه مجدداً مورد تهاجم هوایی زندانبانانش قرار گرفته است. تا لحظه آتش بس: ۱۶۲ کشته، اکثراً غیر نظامی و تعداد زیادی کودک.

مثل همیشه اولین چیزی که ذهن مفسرین را اشغال کرده است چیست؟ معمای مرغ و تخم مرغ! کدام طرف شروع کرد؟ مقصر کدام است؟ راکت‌های حماس یا بمب‌های اسرائیل؟ و البته بسته به موضع ایدئولوژیک مفسر معمولاً نصف حقیقت به مثابه همه حقیقت اعلام میشود و راه حل هم که دیگر معلوم است: قطع راکت پراکنی یا قطع بمباران یا آتش بسی دو طرفه که معمولاً به مثابه تنفسی برای تکرار تراژدی در ابعادی غم‌انگیزتر و خونین‌تر است. این در بهترین حالت یک ژورنالیسم کارآگاهانه است که مخاطبینش را با ترکیبی از معماها و هیجان‌ات مشغول نگه میدارد. نه کاری به ریشه مسئله دارد و نه دنبال راه حل ریشه ای است.

در کنار این ژورنالیسم سطحی، یک ژورنالیسم دست راستی کار میکند که حرفه اش را فقط با پشت کردن به حقیقت میتواند ادامه دهد. یا به محرومیت تاریخی مردم فلسطین و اشغالگری دولت اسرائیل اتکا میکند و چشم بر ظرفیت و دستور سیاسی ارتجاعی حماس به مثابه بخشی از یک جنبش وسیعتر می بندد و یا با مراجعه به تراژدی مردم یهود در جنگ جهانی دوم از یکطرف و تروریسم حماس از طرف دیگر، از دولت و قطبی حمایت میکند که اگر دنیا روی قاعده اش قرار داشت سرانش باید دهها بار به عنوان جنایتکاران جنگی محاکمه میشدند.

### تقابل دو ارتجاع!

مثل همیشه، پشت این بساط خونین که از آن فقط حکومت نژاد پرست اسرائیل و ارتجاع اسلامی منطقه و مشخصاً حماس تغذیه میکنند دلایل استراتژیک و کاربردهای تاکتیکی جدی وجود دارد.

راکت پراکنی حماس هیچ ربطی به مبارزه با یک نیروی اشغالگر ندارد. حماس ادامه جنبش تاریخی عادلانه مردم فلسطین به هیچ معنا نیست. حماس سنگری از جنبش اسلامی است که به ارتجاع جهان مدرن تعلق دارد و تنها ربطش به مردم فلسطین استفاده سیاسی از اعتراض بحق مردم فلسطین علیه دولت اسرائیل برای اهداف ارتجاعی جنبش اسلامی است.

بمباران مردم غزه توسط دولت اسرائیل چه دلیلی دارد؟ سطحی ترین پاسخ به این سؤال یا بهتر است بگوییم ایدئولوژیکترین پاسخ این است

که این توحش نظامی واکنشی در مقابل راکت پراکنی حماس است! یعنی توحشی در مقابل توحشی دیگر است! چنین پاسخی هم زمینه های تاریخی و هم دلایل سیاسی کنونی این تقابل را کنار میگذارد.

دولت اسرائیل هنوز هم از لحاظ سیاسی ادامه دول غرب در خاورمیانه است. خاورمیانه ای که هم صحنه سیاسی اش و هم بازیگران سیاسی اش و هم توازن قوای سیاسی اش در دو سال گذشته زیر و رو شده است. همانگونه که خود غرب در واکنش به انقلابات منطقه کلی این پا آن پا کرد تا "طرف درست" تاریخ را معنا کند و در کنارش قرار گیرد، اسرائیل هم باید در منطقه تماماً در هم ریخته "طرف درست تاریخ" را از نقطه نظر منافع خودش معنا کند. توحشی که اسرائیل در غزه به نمایش گذاشته است گامی در این مسیر است.

اینجا ما با یک تقابل تاریخی میان دو ارتجاع - جنبش اسلامی از یکطرف و ارتجاع راست مذهبی اسرائیل از طرف دیگر - در شرایطی جدید مواجه هستیم. تقابلی که مثل همیشه بیشترین قربانیانش را از زاغه های تودرتوی غزه و از میان محرومین، از میان کودکانی انتخاب میکند که با انفجار بمب چشم بر جهان میشنگایند و با انفجار بعدی چشم از جهان فرو می بندند.

### ضحاگان مار بدوش!

مسئله از هیچ طرف دفاع از چیزی نیست حتی اگر شکل و شمایل دفاع به خودش بگردد. نه حماس به سوی اسرائیل موشک پرت میکند تا از مردم غزه دفاع

میکند و نه دولت اسرائیل غزه را با خاک یکسان میکند تا مردم اسرائیل امنیت داشته باشند. بر عکس هر دو طرف تعرض میکنند و از طرف مقابل آدم میکشند تا خود از لحاظ سیاسی زنده بمانند. اینها ضحاگان ماربدوش خاورمیانه قرن بیست و یک هستند که از خون انسانهای طرف مقابل تغذیه میکنند. اگر آتش نفرت مذهبی و نژادی و قومی مردم معمولی را میسوزاند و خاکستر میکند، برعکس به این جانوران سیاسی زندگی میبخشد.

### روند خطرناکی که باید قیچی اش کرد!

انقلابات معاصر در منطقه همه مسائل سیاسی جهان معاصر و مشخصاً مسائل مستقیم منطقه را در صفحه جدیدی قرار داده است. قبل از هر چیز و مهمتر از هر چیز، در نتیجه این انقلابات، حق و حرمت و کرامت شهروند به جای نفرتها و هیجان‌ات مذهبی و نژادپرستانه و قوم پرستانه - نفرتها و هیجان‌ات که ابزارهای روانی و سیاسی در دست دو طرف بوده اند - به خیابانهای کشورهای منطقه راه باز کرده است. "مانیفست جوانان غزه" همه باندهای حکومتی و غیر حکومتی، داخلی و خارجی، اسلامی و غیر اسلامی را یکجا مورد حمله قرار داد. در خود اسرائیل، علاوه بر حضور فعال جنبشی که حق مردم فلسطین برای زندگی انسانی را برسمیت میشناسد، جنبش ۹۹ درصد علیه نظم موجود با حضور ۱۵۰ هزار نفر در خیابانهای اسرائیل ابراز وجود کرد. در این دوره در هر دو طرف، فضای انسانی و نه قومی و مذهبی، فضای اعتراض

علیه دولت خود و نه "دشمن خارجی" برجسته بود.

این يك روند بسیار خطرناك برای محافل حاکم در هر دو طرف است. باید يك جوری در مقابل آن ایستاد. باید قیچی اش کرد. تقابل با چنین روندی، یکی از اهداف عملیاتی است که با اسم رمز "ستون ابری" (عنوانی که از یکی از آیه های کتاب مقدس یهودیان اقتباس شده است!) علیه مردم غزه هشت روز تمام خونریزی کرد. طنز سیاسی این است که چنین عملیاتی از طرف دشمن، قند در دل سران حماس آب کرد که موقعیت مشابهی در مقابل روند سیاسی مذکور دارند.

اگر چه جهان عوض شده است اما از نظر هر دو طرف، مساله فلسطین باید به روال سابق ادامه پیدا کند. ادامه مساله فلسطین به روال سابق استراتژیک برای بقای سیاسی هر دو طرف است. مخالفت و سنگ انداختن هر دو طرف در مقابل راه حل دو دولت در کنار هم دقیقاً از اینجا ناشی میشود. دو دولت برسمیت شناخته شده میتواند سفره ای که هر دو جریان ارتجاعی از آن نان میخورند و میخوانند بخورند را جمع کند.

راست اسرائیل تنها با وجود نفرت مذهبی و قومی و نژادی و در نتیجه تحرك سیاسی حماس و جهاد اسلامی میتواند چهره مشروع به خود بدهد و تروریسم اسلامی هم تنها با وجود دولتی آشکارا مذهبی و نژادپرست و اشغالگر میتواند به نام مقاومت فلسطین خود را مشروع جلوه دهد. حتی اگر بهانه ای موجود نباشد باید بهانه ای اختراع کرد تا تنور این تقابل روشن بماند.



## تهاجم خونین به غزه! چرا امروز؟ تقابلی خونین و ژورنالیسمی در مقابل حقیقت!

از صفحه ۸

### رد پای دیروز در تنش امروز!

غزه البته فقط میدان نمایش و حماس و جهاد اسلامی و نتانیاهو و دار و دسته اش هم شخصیت‌های جلوی صحنه هستند. در این بازی خونین شخصیت‌های دیگری درگیر هستند که مهمتر از حماس و ائتلاف حول حزب نتانیاهو هستند. هم دولت اسرائیل و هم حماس ادامه منطقه ای تقابل بزرگتر جهانی بودند و هستند که در یک طرفش دول غرب و مشخصا آمریکا بود و هست و در طرف دیگرش کل جنبش اسلامی و جمهوری اسلامی بود و میخواد - اگر خدا بخواهد - همچنان باشد! انقلابات خاورمیانه، موقعیت هر دو طرف را در جغرافیای سیاسی خاورمیانه و از آنجمله مسئله فلسطین تغییر داده است که این خود در رفتار اسرائیل و حماس هم منعکس میشود. از غرب شروع کنیم.

### کیس غرب

غرب مدتهاست که تلاش میکند جنبش اسلامی را با مقتضیات جهان معاصر (جهانی که از تقابل اردوگاهی فاصله گرفته است و نیازش به جنبش اسلامی علیه قطب مقابل پایان یافته است) انطباق دهد و جایش را با اسلام نوع ترکیه و امروز اخوان المسلمین مصر پر کند. تعدیل و رام کردن جمهوری اسلامی و شاخه های مختلف اسلام سیاسی مثل حماس به این معنا در دستور است. آمریکا - حتی اگر خودش چراغ سبز نداده باشد - با چنین هدفی تهاجم

این چماق مدت‌هاست که در قالب تهدید حمله به ایران - که با رجزخوانیهای مالیخولیایی سران اسلامی در تهران به اندازه کافی بهانه اش فراهم است - در هوا چرخیده است. تهاجم به غزه به درجاتی يك جایگزین "معقولتر" برای چنین تهدیدی البته بدون مضراتش است. نوعی قدرت نمایی در مقابل جنبش اسلامی و حکومت اسلامی است بدون اینکه عواقب نظامی مستقیم مقابله با حکومت اسلامی را همراه داشته باشد. "گنبد آهنین" فقط يك سیستم دفاعی موثر در مقابل راکت‌های حماس نیست بلکه در عین حال يك نمایش نظامی در مقابل موشک‌های فجر ۵ ساخت جمهوری اسلامی هم هست.

### جنگی خارجی و مسائل داخلی!

به همه این مسائل "خارجی" باید دو فاکتور سیاسی داخلی را هم اضافه کرد: اولاً، حکام راست اسرائیل باداغ جنبش ۹۹ درصدیها را در مقیاس تظاهرات عظیم ۱۵۰ هزار نفره در مقابل "تنها دموکراسی منطقه" زیر پوست خود احساس کرده اند. این مبارزه ای داخلی بود که علنا اعلام کرد نمیخواهد فقط دولت را عوض کند بلکه "میخواهد قاعده بازی را عوض کند!" یعنی مسئله اش فقط بی بی نتانیاهو نیست بلکه کل سیستم است. در مقابل چنین تهدید داخلی مثل همه هم‌تایان در تاریخ بورژوازی باید تهدید خارجی را الم کرد. مردم وحشت زده از باران بمب و راکت دشمن خونخوار خارجی مثل حماس را راحتتر میتوان از مبارزه با دشمن به همان درجه خونخوار داخلی یعنی راست اسرائیل منحرف کرد. ثانیاً، ائتلاف راست حاکم در اسرائیل در آستانه انتخابات است. هر چقدر راکت‌های بیشتری بر فراز "گنبد آهنین" منفجر شود، شاید همانقدر بتوان رای

دگرذیسی حماس فراتر از مسله فلسطین است. در این صورت، جمهوری اسلامی سنگری از قدرت منطقه ای اش را از دست میدهد. سنگری که خاکریزه‌های مدت‌هاست که شل شده است. (به دوری حماس از بشار اسد و نزدیکیش به حاکمان جدید مصر توجه کنید).

### چماقی خونین با هدفی سیاسی!

جایگاه سیاسی اسرائیل برای غرب عیناً شبیه جایگاهش در دوره جنگ سرد نیست. جنگ سرد تمام شده است و بالتبع نیروهای که در دوره تقابل جنگ سرد نقش و موقعیت داغی داشتند - از جمله دولت اسرائیل - امروز سرد شده اند! از طرف دیگر، عواقب سیاسی انقلابات اخیر در موقعیت اسرائیل دو لبه بوده است. از یکطرف متحدین پرو پاقرصی مثل مبارک دیگر نیستند و از طرف دیگر موقعیت عمومی اسلام سیاسی تضعیف شده است. اولی به ضرر موقعیت اسرائیل و دومی به نفعش. از نظر غرب، مصر تحت کنترل اخوان المسلمین با مشخصات کنونی برای سرراه آوردن اسلام سیاسی از جمله حماس نقش "سازنده تری" نسبت به اسرائیل میتواند داشته باشد. بیدلیل نیست که ذره ای از کمک‌های مالی آمریکا به مصر کاهش داده نشده است. از نقطه نظر دولت اسرائیل و کلاً محافل دست راستی جامعه اسرائیل، حمله به غزه میتواند گامی نظامی برای تجدید تعریف موقعیت سیاسی جدید اسرائیل در معادلات سیاسی دگرگون شده منطقه باشد. در يك کلام اسرائیل چماقی خونین بیرون کشیده است تا پایش را در توازن قوای جدید منطقه سفت کند.

شهروندان وحشت زده و ناامن به جیب مرتجع شناخته شده ای به نام نتانیاهو و حزیش ریخته شود.

### کیس جمهوری اسلامی!

در غزه کودکان لت و پار میشوند و در تهران لاشخوران اسلامی میرقصند! چرا جمهوری اسلامی با آغوش باز به سراغ این حمله رفت و حسابهای زیادی برای باز کرد؟ در کشوری که هر تظاهراتی را به خون میکشند، "تظاهرات" نمایندگان مجلس اسلامی در دفاع از حماس در این میان واقعا تماشایی بود!

جمهوری اسلامی هم به عنوان راس جنبش اسلامی و هم به عنوان دولت اسلامی در ایران روی این اتفاق فوراً حساب باز کرد. حسابی که البته بسرعت معلوم شد که غلط است. حکومتی که منزوی ترین و بحرانی ترین و بی آینده ترین لحظاتش را سپری میکند؛ حکومتی که جنبش مورد اتکایش در جهان - یعنی جنبش اسلامی - حال و وضع خوبی ندارد، دنبال دریچه ای در صحنه سیاسی جهان بود که امیدي به دل‌هایش بازگرداند. تهاجم اسرائیل به غزه ظاهراً چنین دریچه ای بود.

درست است که خالد مشعل دفترش در سوریه متحد حکومت اسلامی را تعطیل کرده است؛ درست است که حماس بند نافش را از سوریه و جمهوری اسلامی بریده است و به اخوان المسلمین مصر (مادر تنی اش) بسته است؛ درست است که رئیس همین اخوان در کنفرانس غیر متعهدها در تهران آب سردی بر سر حکومت اسلامی ریخت و امروز از یکطرف با هیلاری کلینتون خوش و بش میکند و از طرف دیگر به وزیر خارجه خامنه ای اجازه ورود به غزه نمیدهد؛ اما با تمام اینها جمهوری اسلامی به

## بمب از آسمان و کشیدن جسد روی آسفالت

### یاشار سهندی

دور جدید کشتار مردم در شهر نفرین شده غزه بعد از هشت روز بمباران و موشک پرانی اسرائیل و حماس به پایان رسید. هشت روز تمام مردم بی دفاع در ۲۴ ساعت شبانه روز بمباران شدند و در پایان هر دو طرف مدعی شدند به اهدافشان رسیدند و پیروز شدند. و برآستی که هر دو طرف پیروز از کار در آمدند و مردمی اسیر در چنگ ایشان بازنده بودند. کشته‌هایی که روی دست مردم ماند و ویران شدن خانه‌های مردم و زندگی در پناه تهدید مداوم بمباران و موشک باران، محاصره همه جانبه نظامی، به گروگان گرفتن جمعیت عظیمی از مردم حاصل جنگهای مداوم تروریستهای اسلامی و اسرائیلی است. چهره کریه تروریسم در بمباران دور اخیر غزه وقتی بیشتر خودش را به نمایش گذاشت که خبری منتشر شد که ۶ تن از ساکنان غزه به جرم جاسوسی (جرم من در آوردی دولتهای معاصر جهان) تیرباران شدند و اجساد ایشان با بستن طناب به موتور و در خیابانهای غزه چرخانده شدند.

عکسهای تکان دهنده این جنایت چنان مشتمل کننده است که بیشتر به يك کابوس میماند و انسان دوست ندارد باور کند که این حقیقت دارد. این عکسها اما برای ما ساکنین ایران بسیار آشنا است. راکبان موتورهایی که جسد را مشایعت میکنند، بارها از نزدیک دیده‌ایم. نگاهها، میمیک صورت، آرایش ظاهری صورت، لباسها و ژستها و خونسردی ایشان در برخورد با يك جسد مثله شده و افتخار به جنایت، را سالها است و بخصوص در سال ۸۸ از نزدیک لمس کرده‌ایم.

لاریجانی (رئیس مجلس) در صحن مجلس وقتی نمایندگان فاشیست اسلامی در حمایت از تروریستها در غزه گلو پاره میکردند میگوید: "تیروهای مجاهد فلسطینی و حماس فکر و راه امام حسین را طلیعه خود قرار دادند و از رفتار ملت ایران (بخوانید نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی) پند گرفتند و با سلاح‌های خود رژیم صهیونیستی را از خواب بیدار کردند... افتخار می‌کنیم کمک ما (به حماس) هم جنبه مادی و هم جنبه نظامی داشت." سخنان او آدرس دقیقی به ما میدهد که با این چهره‌های آشنا کجا برخورد داشته‌ایم. تیرباران ۶ نفر و کشیدن جسد حداقل یکی از آنها در خیابانها تنها و تنها برای ایجاد رعب و هراس در دل مردم غزه است تا مبادا مردم غزه علیه حماس و باند های تروریستی اسلامی اعتراضی بکنند. این نمایش وقیحانه از جنایت کاری باند های اسلامی را سالیان بسیار است که ما در ایران از سوی حکومت اسلامی شاهدش بودیم. این جنایات هیچ هدفی را تعقیب نمیکند جز ایجاد هراس در دل مردم. عکسها، آنجا که چند نفر از اهالی ناباورانه شاهد این ماجرا هستند و کودکانی که از بد حادثه در غزه بدنیا آمده اند شاهد جسدی هستند که بی رحمانه روی آسفالت کشیده میشود خود گویای این واقعیت است.

از آسمان بمب های اسرائیل نازل میشود و روی زمین سربازان خدا جسدی را به موتور بسته و در شهر میچرخانند. تکلیف اسرائیل روشن است. کسی نمی تواند منکر جنایات رژیم نژاد پرست این کشور باشد. اما گویا باند های جنایت آفرین اسلامی از

این قاعده مستثنی هستند و حتی میتوان از ایشان دفاع کرد چون گویا دارند "مقاومت" میکنند! اگر باند های اسلامی تا کنون هیچ جنایتی هم مرتکب نشده باشند (مانند سنگسار، اعدام، قطع اعضای بدن، تجاوز، بمب گذاری و...) همین عکسهایی که از جنایت بی شرمانه ایشان منتشر شده نشان دهنده عمق کینه و نفرت ایشان از انسان و انسانیت است. سخن من رو به کسانی که وقتی جنگ میان دو جبهه تروریستی در شهری مثل غزه بالا میگیرد چشم بسته فقط يك طرف را از پیش محکوم میکنند و چشم به جنایتهای طرف دیگر میبندند، این بماند که از ایشان دفاع هم میکنند. (ادله کافی هم دارند که از مردم اسرائیل ۵ نفر کشته شده است و از مردم فلسطین بیش از ۱۰۰ نفر!) و از آن بدتر منتشر را هم سر ما کمونیستها میگذارند که نگاه کنید مهد کودک ساختند! اما نکته بسیار جالب اینجاست که رسانه‌هایی مانند بی بی سی هم فقط به پخش خبر تیرباران ۶ نفر اشاره کردند اما دیگر در مورد بقیه خبر سکوت کردند و چیزی نمی گویند چون هنوز به وجود حماس نیاز دارند. در صورتی که این خبر را هم آنرا پوشش میدادند یا بدهند به "گروههای تندرو تر از حماس" نسبت خواهند داد تا مبادا دامن اسلام لکه دار شود.

کشتار در غزه مسئولیت ما مردم ایران را بیشتر کرده است. سر مار در ایران است. جنبش های اسلامی اعم از تندرو و میانه رو، معتدل و افراطی از بودن حکومت اسلامی در ایران مایه میگیرند. رفتار بی نهایت سبعانه گروههای اسلامی در سراسر جهان از حکومتی منشا

میگیرد که يك کارگر وبلاگ نویس را در زیر شکنجه میکشد، ندا را جلو دوربین میکشد و بعد مدعی میشود خود ندا خواستار قتل خودش بوده است (!) به زندانیان زن قبل از اعدام تجاوز میکند و چند ده هزار نفر در لیست اعدامهایش در طی بیش از سی دهه حکومتش بوده. این حکومت سر منشا همه

### تهاجم خونین به غزه! چرا امروز؟ تقابلی خونین و ژورنالیسمی در مقابل حقیقت!

از صفحه ۹

#### راه حل!

هیچ نیرویی نمیتواند به این وضعیت خاتمه دهد مگر اینکه جنبش قدرتمندی از میان قطب سوم سر برکشد و به این جنون خونین افسار بزند. قطبی که يك سرش در میان جوانان مانیفست نویس غزه است و سر دیگرش در میان معترضین ۹۹ درصدی برای عدالت اجتماعی در خیابانهای اسرائیل. قطبی که متحدینش قبلا در جنبش اعتراضی وال استریت در آمریکا و میدان خورشید در اسپانیا و میدان تحریر در مصر و انقلاب ۸۸ در تهران با قدرت تمام قد علم کرده اند. جنبشی که نه تنها هیچ توهمی به هیچ طرف دو قطب ارتجاعی ندارد که دنیا را برای دوره ای طولانی به گروگان گرفته بودند بلکه هویت طبقاتی و هویت قومی و مذهبی و نژادی متعلق به همین دو قطب ارتجاعی است. جنبشی که دو نیروی سیاسی نژاد پرست مذهبی در دو سو را حاشیه ای کند و تشکیل دو دولت متساوی الحقوق را تحمیل کند.\*

پیسی افتاده در موقعیتی است که به ریسمان حماس - سازمانی که قرار است به کمک همین حکومت اسلامی به حیات خودش ادامه دهد - هم چنگ میاندازد. سازمانی که از حکومت اسلامی موشک فجر ۵ میگیرد و در عین حال با اسد متحد جمهوری اسلامی فاصله میگیرد و با محمد مرسی متحد آمریکا متحد میشود. تشکر جانانه خالد مشعل از محمد مرسی به خاطر میانجیگری اش برای آتش بس با اسرائیل نشان میدهد که حتی اگر جمهوری اسلامی هزاران موشک در اختیار حماس بگذارد، تحولات منطقه روندی در مقابل حکومت اسلامی است.

حکومت اسلامی مذبوحانه میخواهد با کنار هم قرار دادن چهره خونین کودکان غزه در کنار موشکهای فجر ۵ در دست حماس، از خیابانهای خاورمیانه برای جنبش اسلامی نیرو جمع کند و خودش را قهرمان مردم فلسطین جا بزند! حقایق سیاسی ۲۰۱۲ سخت جانتر از توهمات حکومتی است که به هیچ معنا با جهان مدرن خوانایی ندارد.

## تحولات سوریه در هفته ای که گذشت!



محمد شکوهی

به دنبال آغاز جنگ اسرائیل و حماس اخبار و رویدادهای سوریه تا حدودی در رسانه ها گم شد. مدیا و ژورنالیسم خبری بورژوازی اقدام به پوشش لحظه به لحظه این جنگ کرده و تصویر دلخواه خود را از رویدادهای این جنگ به جهانیان حقنه کردند. اما در طول این هفته در سوریه چه خبر بود؟ در این هفته در میان سکوت خبری درگیریهای نظامی مخالفان و رژیم اسد در سراسر سوریه ادامه داشت. بر اساس اخبار و گزارشات منتشر شده، در طول هشت روز گذشته بیش از ۸۰۰ نفر در درگیریهای مخالفان با رژیم اسد کشته شده اند. همزمان مخالفان چندین پادگان، پایگاه هوایی و شهر مرزی را به تصرف خود درآورده اند. درگیریهای مخالفان با رژیم اسد در حال حاضر بیشتر در دمشق و حومه آن، تنها مرکز قدرت رژیم متمرکز شده است. در طول این هفته هواپیماهای رژیم بیش از ۶۷ بار دمشق و حومه آن را بمباران کرده اند. بمباران شهرهای حلب، درعا، حمص و استان حسکه ادامه داشته است. فرار سربازان از ارتش ادامه دارد. صدها سرباز رژیم اسد به مخالفان پیوسته اند. براساس اخبار و گزارشات مخالفان ارتش اسد از

مواضع خود در اطراف شهر حلب ناچار به عقب نشینی شده است. جنگ در سایر مناطق سوریه بی وقته ادامه دارد.

همزمان با ادامه جنگ مخالفان با رژیم اسد تلاش ها و تقلاهای دیپلماتیک آمریکا، غرب، جمهوری اسلامی و هواداران رژیم اسد ادامه داشته است. ابتدا به تلاش های آمریکا و غرب و "ائتلاف جدید اپوزیسیون سوریه" اشاره میشود. از حدود دوهفته پیش تلاش های غرب برای سرو سامان دادن به ائتلاف جدید نیروهای مخالف اسد بشدت در جریان بوده است. چندین نشست در همین رابطه برگزار گردید. نشست دوحه و توافقات آن مهمترین خبر در این مورد بود. در این نشست آمریکا و غرب موفق شدند تا حدودی و علیرغم مخالفت های نسبتا گسترده برخی از مخالفان رژیم اسد، "ائتلاف جدید مخالفان اسد" را شکل بدهند. ائتلاف جدید پس از آن در دستور آمریکا و غرب قرار گرفت که انتقاداتی از "شورای ملی سوریه" مطرح شد و غرب این شورا را به عدم کارایی و در بر نگرفتن همه مخالفان اسد متهم کرد. در نشستهایی که در این باره برگزار گردید، شورای نامبرده مجبور شد به توافقاتی با برخی دیگر از نیروهای مخالف اسد تن بدهد. لازم به یادآوری است که "شورای ملی سوریه" تا مقطع برگزاری نشست دوحه، از طرف اتحادیه عرب به عنوان تنها نماینده مخالفان به رسمیت شناخته شده بود. نشست های دوحه در واقع بخش اعمال فشار و کاستن از قدرت این شورا در میان مخالفان اسد و سهیم کردن

مخالفان دیگر در شکل دادن به ائتلاف جدید برای تشکیل "دولت انتقالی" در فردای سرنگونی رژیم اسد بود. نتیجه این نشستها و تقسیم بندی و صف آرایی درونی این شورا به شکل زیر در آمده است: "از ۵۵ کرسی موجود در ائتلاف جدید اپوزیسیون سوریه ۲۲ کرسی آن به "شورای ملی سوریه" رسیده است. بقیه کرسی ها به سایر گروههای اپوزیسیون، از جمله ارتش آزاد، کمیته های هماهنگی انقلاب سوریه، اقلیت های قومی، مذهبی و ملی رسیده است. در نشست دوحه نمایندگان گروه های حاضر شیخ احمد معاذ الخطیب، یکی از رهبران مذهبی سوری را به عنوان نخستین رئیس ائتلاف ملی سوریه برگزیدند. همچنین ریاض سیف و نیز سهیر الاتاسی به عنوان معاونان وی انتخاب شدند!"

با شکل دادن به این ساختار جدید اپوزیسیون از میزان نفوذ و اعمال قدرت "شورای ملی سوریه" تا حدودی کاسته و در مقابل به وزن احزاب مخالف دیگرافزوده شده است. تلاش ها برای اجماع دو جریان مهم مخالف رژیم اسد، "ارتش آزاد و کمیته های هماهنگی انقلاب سوریه" برای شرکت کامل در این ائتلاف ادامه دارد. بخش هایی از این دو جریان نامبرده به تعداد کرسی های طرف مقابل در ائتلاف جدید اشاره کرده و تاکید میکنند که وزن شورای ملی سوریه در ائتلاف جدید، هنوز بالا است.

در کنار این تلاش های حمایت های غرب از این دسته از مخالفان ادامه دارد. آمریکا، اتحادیه اروپا و اتحادیه عرب ائتلاف جدید اپوزیسیون سوریه را

به رسمیت شناخته و اعلام کرده اند که این ائتلاف را تنها "نماینده مردم سوریه" می دانند. کمکهای غرب و کشورهای منطقه به این اپوزیسیون افزایش یافته است. نقش ترکیه و قطر و کشورهای عربی منطقه در حمایت از ائتلاف جدید وارد مرحله دیگری شده است. از کمکهای نظامی گرفته تا فراهم آوردن زمینه های قدرت گیری این ائتلاف در جریان سرنگونی رژیم اسد، ادامه دارد. براساس يك توافق ائتلاف جدید قاهره را مقرر خود کرد.

در واکنش به تلاش های غرب مبنی بر سر و سامان دادن به اپوزیسیون مخالف اسد، جمهوری اسلامی هم نشست "گفتگوهای ملی سوریه" در تهران را برپا کرد. در همین رابطه جمهوری اسلامی با گرد آوردن دهها آخوند، رئیس عشیره، باندهای حامی اسد و با شرکت دهها نماینده رژیم اسد، این مضحکه را برپا کردند. در کنار جمهوری اسلامی، کشورهای روسیه، چین، ونزوئلا نیز در این نشست شرکت داشتند. در حول و حوش این نشست خامنه ای طی سخنرانی اعلام کرد، که سرکوب مخالفان رژیم اسد قانونی است و اگر مخالفان اسلحه هایشان را بر زمین بگذارند، دولت سوریه به خواسته های آنها "توجه" خواهد کرد. این نشست در واقع نشست حامیان و هواداران رژیم اسد بود که قرار بود به رژیم اسد در این وانفاسی سرنگونی اش، روحیه

بدهد. همزمان جمهوری اسلامی وعده کمک های باز هم بیشتری به اسد داد. جدید ترین کمکها احداث خط لوله نفت، تامین سوخت ماشین جنگی ارتش اسد می باشد. جمهوری اسلامی نزدیک به دو سال است که در سوریه در دفاع از رژیم اسد در سرکوب اعتراضات و مبارزات مردم نقش مستقیم دارد.

رژیم اسد دیر یا زود رفتنی است. تلاش های غرب برای سر و سامان دادن به اپوزیسیون هوادارش در سوریه، تلاشی است برای به قدرت رساندن این اپوزیسیون از بالای سر مردم و بدون دخالت انقلابی مردم در پروسه سرنگونی. اپوزیسیونی که امروز آمریکا و غرب برای دوران بعد از اسد سازمان داده است، اپوزیسیون بر خواسته از انقلاب ناتمام مردم و اعتراضاتشان نبوده و نیست. سرنگونی رژیم اسد و دوران بعد از اسد، دوره رویارویی های تعیین کننده مردم و انقلاب ناتمام این مردم خواهد بود. شانس به میدان آمدن دوباره اعتراضات و دخالت مردم در شکل دادن به روندهای دوران بعد از اسد، هنوز وجود دارد. لازم به یادآوری می باشد که براساس آخرین آمار منتشر شده از طرف مخالفان رژیم اسد، از آغاز اعتراضات مردم در طول ۲۰ ماه گذشته نزدیک به ۳۴ هزار نفر کشته، دهها هزار نفر زخمی، بیش از ۱۷ هزار نفر مفقودالثر شده اند.\*

International Committee Against Stoning  
(<http://stopstoningnow.com>)  
International Committee Against Execution  
(<http://notonemoreexecution.org>)  
For more information contact:  
Spokesperson: [minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com)  
0049-177-569-2413

# به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

## محرم و کودک آزاری

### مهراب دشتی

کار آمده اند، این خرافات بیشتر و بیشتر و هرسال به این اقدامات اضافه شده است. هرسال به ادا و اطوار این ماه اضافه شده و هرسال زلم زیمبای بیشتری به این خرافات بسته شده است. از علم و کتل گرفته تا طبل و شیپور و قمه و سنج و آلودگی های صوتی و مزاحمت های شبانه روزی تا تبلیغات خرافه و شستشوی مغزی و تحریفات و دمیدن روحیه ی جنگ و انتقام جویی و کینه های مذهبی، همه و همه در خدمت رژیم قرار دارند تا به خیال خود حتا به مدت ۱۰ روز هم که شده همه ی فقر و فلاکت و گرانی و رسوایی های سران رژیم و اختلاس و جنایات و شکنجه و اعدام و آدم کشی های آنها را در حاشیه نگه دارند.

امسال به ابتکار "اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان" و با طراحی و کمک سازمان رادیو

محرم و خرافات این ماه در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هرسال که می گذرد، ابعاد بیشتر و مخربتری پیدامی کند. از زمان روی کار آمدن جمهوری جهل و جنایت اسلامی در ایران، در ماه محرم مدارس از محیط درس و بازی به کلی خارج شده و رنگ و روی مسجد و تکیه به خودمی گیرد. نوحه خوانی در سر صف و زنگ های تفریح! و خواندن زیارت نامه ی عاشورا! براه انداختن دسته های عزاداری و سینه زنی و اجبار به پوشیدن پیراهن سیاه و نذری دادن از جمله اقداماتی است که مدیران و معاونان پرورشی که در حکم مامورین حراست همدرسه هستند، انجام می دهند.

با گذشت سال ها و مخصوصا در این هفت - هشت سال که احمدی نژاد و دار و دسته اش بر سر

تلویزیون دولتی رژیم جهل و خرافه، قرار شده که "رادیو محرم" راه اندازی شود. دبیرکل این اتحادیه ی فرمایشی در جمع خبرنگاران هدف از برگزاری این برنامه را "تقویت انس و ارادت طلبی دانش آموزان به خاندان عصمت و طهارت" دانست. این مزدور رژیم اسلامی همچنین گفت که برای دانش آموزان دختر از طریق این شبکه ی رادیویی، نقش زنان را در قیام کریلا! تشریح خواهیم کرد. وی در ادامه گفت: "فضاسازی محیطی، سیاه پوش کردن مدارس، نمازخانه ها، چاپ پوستر، تشکیل گروه های تعزیه خوانی و نقل خوانی دانش آموزی از برنامه های این اتحادیه در محرم است. علامتی با وقاحت تمام از دسته روی دانش آموزی و حضور مداحان در مدارس و پخش سخنان خمینی و خامنه ای و مطهری از رادیو محرم در مدارس خبر داد.

نگفته پیدا است که دستگاه آموزشی نظام خرافه پرور جمهوری اسلامی که نتوانسته است

دردانشگاه ها یک تازی کند و خرافات را به خورد جوانان بدهد و در سطح عمومی جامعه هم موفق نبوده است، بیشتر از گذشته، کودکان و نوجوانان را مستقیما هدف قرار داده است.

محیط مدارس جمهوری اسلامی در ایران، به شکل نگران کننده ای فضایی سرد و سیاه و غم و اندوه برای کودکان و نوجوانان به شمار می رود. کتاب های درسی در دوران ابتدایی و راهنمایی، خرافات، مسائل ضدعلمی و صحنه های خشونت و جنگ را تبلیغ می کند. برنامه های آموزشی و تربیتی! مدارس بطرز فزاینده ای فضای مدارس و روحیه ی کودکان و نوجوانان را به سمت غم و افسردگی سوق می کند. وضعیت اجتماعی و اقتصادی نیز تاثیر خود را بر مدارس گذاشته است و ناامیدی به آینده در وضعیت صدمات جدی به آنها زده است. کودکان و نوجوانان یادشان نرفته که در ماه گذشته حداقل در دو حادثه ی تصادف اتوبوس

حامل دانش آموزان "راهیان نور!" تعداد زیادی از دوستانشان قربانی شده اند و همین امروز (۴شنبه ۱ / ۹ / ۱۳۹۱) هم در سیستان نیز اتوبوس دانش آموزان حادثه آفرید. گرانی، بیکاری، فقری که دامنگیر اکثریت دانش آموزان است به روحیه شادی و امید به زندگی برای کودکان و نوجوانان نگذاشته است. راه انداختن سیرک رادیو محرم برای مدارس مضحکه و خیمه شب بازی جدید رژیم است. که کودکان را نشانه گرفته است. این گونه کودک آزاری ها فقط از ذهن های بیمار و عقب مانده مذهب مداران می تواند بیرون بیاید.

محرم، علاوه بر عموم مردم، کودکان و نوجوانان را نیز مورد تهاجم قرار داده است. این بساط جهل و خرافه و خشونت باید برچیده شود. برای برچیدن این کارناوال های خشونت زا و آسیب رسان به روح و روان جامعه باید کلیت نظام جمهوری اسلامی را برانداخت.\*

## صیغه، نوع دیگری از بردگی جنسی

### فرح صبری

جنایات مختلف رژیم بوده است. دختران باکره در این صنعت حکم کالای دست اول را دارد، پدر یا جد پدری تا زمانی که این کالا را به صاحب بعدی یعنی همان شوهران تحویل نداده اند از حقوق ویژه ای در این مالکیت برخوردار است. "علمای" مختلف اسلام بنا به موقعیت سیاسیشان در جناحهای مختلف رژیم، نظرات متفاوتی در این رابطه ارائه می دهند. اما همگی "باکره" بودن را به معنای دست اول بودن متاع مورد معامله تلقی می کنند و در مورد ویژگی های معامله جنس "باکره" بحث حکم صادر می کنند.

در شروع سال تحصیلی جدید، حجت الاسلام قرائتی در نشستی با روسای دانشگاههای سراسر کشور در باره سالم سازی

صیغه از موضوعاتی است که حکومت اسلامی به عنوان یکی از احکام خود در تمام این سالها مورد تبلیغات فراوانی قرار داده است و همواره سعی کرده تا این سنت اسلامی حکومتش را در جامعه تثبیت کرده و رابطه بین زن و مرد را در چهارچوب غیر انسانی اسلامیشان تعریف کنند. و بالطبع وجود هر رابطه ای بین انسانها خارج از این چارچوب رعشه به تن علما و مراجع اسلامی می اندازد. صیغه در اصل صنعت فحشهای اسلامیت و زنان در این صنعت کالای مورد مبادله هستند. همانند هر تجارت دیگری، شرایط و چگونگی این مبادله مورد بحث و اختلاف نظر بین علما و

بیشتری لازم است از زنان بیوه به عنوان برده های جنسی پایین مرتبه یاد کرد که پسران دانشجو برای گذران تمایلات در راه مانده شان می توانند از آنها استفاده کنند و سپس آنها را بعنوان یک کالای مستعمل و غیر قابل استفاده، کنار بگذارند. این نه تنها توهین آشکار به زنان بلکه توهین به کل بشریت است. معلوم نیست در مغز بیمار این جانیان انسان چه میگذرد که اینچنین بشرمانه از روابط انسانها حرف میزنند. آنها در مقابل سیل جوانانی که بر خلاف قوانین اسلامی آزادانه با یکدیگر زندگی می کنند، نمیدانند چه بکنند. در واقع می خواهند بگویند این جوانها که با هم رابطه دارند پس حداقل در چهارچوب صیغه باشد تا ستونها دین و حکومتشان فرو نریزد. می خواهند این رابطه آزاد و انسانی دختران و پسران را با

احکام تحقیر آمیز اسلامی به لجن بکشند. نه آقایان زهی خیال باطل، سالهاست که جوانان مشکل روابطشان با یکدیگر را به شیوه ای کاملا مدرن و انسانی حل کرده اند دیگر موضوع دوست دختر و دوست پسر داشتن جوانها در جامعه نه تنها مخفی نیست بلکه به یک نرم تبدیل شده است. شما نمیتوانید زنجیر مسخره صیغه را به پای جامعه ببندید. سالهاست که با هزار زور و گشت ارشاد و تهدید و شلاق نتوانسته اید جلوی رابطه دختران و پسران را بگیرید و جوانها با تمام پلیس بازیهای شما دست در دست هم در مقابل شما دهن کجی میکنند.

البته در سالهای اخیر بدلیل فقر و بی حقوقی زنان در ایران، فحشا به صورت بسیار گسترده

## ممنوعیت سفر آزادانه زنان مجرد زیر ۴۰ سال

### فرح صبری

اضافه کردن محدودیت جدید سنی، برای سفر خانمهای مجرد زیر ۴۰ سال، شمشیر کشیدن دوباره حکومتیها به سمت زنان است. حکومت اسلامی هرچه بیشتر از زنان در عرصه خیابان و زندگی واقعی شکست میخورد بیشتر به وضع کردن قوانین مسخره و عقب مانده عهد حجری رو میاورد. بعد از سهمیه بندی و تفکیک جنسیتی رشته های تحصیلی در سال جدید و اقدامات تشویقی برای فرزند آوری و گذاشتن پیش شرط تاهل برای استخدام در آموزش و پرورش و هیئت علمی، خبر ممنوعیت سفر زنان مجرد زیر ۴۰ سال نشان از حیاتی بودن موضوع زنان در حکومت اسلامی را بیش از پیش نشان میدهد. بعد از خواندن این خبر شاید اولین نکته ای که به نظر خواننده بیاید این است که پس آمار زنان مجرد زیر ۴۰ سال آنقدر هست که دولت و مجلس اسلامی مجبور به طرح چنین قانونی شده اند. در همین رابطه سید حسین تقوی نماینده دولت به ایسنا گفته است: "توجیه نمایندگان دولت برای تصویب این قانون این بوده که در حال حاضر مراجعات زیادی از سوی زنان مجرد برای سفر به خارج از کشور را داشته ایم" و اینکه "افزایش سقف سنی برای حفظ سلامت! خانم ها تعیین شده است".

جالب است کسانی از حفظ سلامت زنان حرف میزنند که خودشان سازمان دهندگان تجاوزبه زنان و کودکان هستند.

دولت اسلامی رسماً با تصویب چنین قوانینی، زنان مجرد زیر ۴۰ سال را به عنوان مهجورین و مجنونین فکری قلمداد میکند که برای حفظ سلامتشان باید از ولی خود و یا حاکم شرع برای سفر خارجه اجازه بگیرند. باید گفت شما کشفتهای اسلامی نمیتوانید از سلامت زنان حرف بزنید. شما به فکر سلامت پایه های حکومت ننگین خود در مقابل مبارزات زنان هستید. گذاشتن این قوانین عصر حجری بخاطر این است که زنان هر روز وارد عرصه جدیدی از زندگی مدرن میشوند.

ازاینکه با زنان در جامعه مثل افراد خطرناک و مجرم رفتار میشود تا رفتارهای توهین آمیز و خشن در مدارس و خشونت های انجام گرفته بر سر موضوع حجاب اجباری در جامعه همه و همه با هدف عقب راندن زنان به پستوها و مطبخ خانه هاست که در آنجا مثل بردگان رام و مطیع به ارائه خدمات وظایف جنسیشان بیردازند. اما این رویای جانیان اسلامی با تلاش بی وقفه زنان برای حضور در جامعه و داشتن هویت انسانی نقش بر آب شده است. امروز زنان جامعه ما با وجود تمام فشارهای خرد کننده هنوز بالاترین آمار قبولی کنکور را دارند و حتی به قول خودشان اگر سد سهمیه بندی را در مقابل دختران نداشته باشند ۹۰ درصد رشته پزشکی را دختران کسب خواهند کرد. زنان از اولین روز بقدرت رسیدن حکومت اسلامی با ایستادن در مقابل حجاب اسلامی و قوانین ضد زن نشان دادند هیچ توهمی نسبت به حاکمیت ارتجاعی

ولی حاضر به زندگی در چارچوبهای خشن اسلامی و غیر انسانی حاکم بر جامعه نیستند. عنوان مجرد را بدوش میکشند. عنوانی که جانیان اسلامی از آن هراس دارند. و میدانند که این عزم به زندگی میتواند پایه های قدرتشان را فرو بریزد. امروز شاهد جر و بحث هر روزه سردمداران رژیم برای کشف علت شکستشان در عرصه مبارزه با زنان و جوانان در خیابانها هستیم. خودشان این شکست را به عناوین مختلف اعلام میکنند و هرکدامشان برای این شکست مفتضحانه بدنبال علت میگردند و گمان میکنند با تصویب چنین قوانینی راه به

جایی برند. ولی آقایان باید بدانید دیگر با این سد های شکننده قوانینی که میسازید جلودار این سیل خروشان زنان معترض در ایران نیستید. به یاد بیاورید چطور دختران شجاع جوان در درگیریهای ۸۸ با ماموران تا دندان مسلحان نبرد میکردند و با دست خالی به جنگ تن به تن با شما پرداخته بودند. این قدرت عظیم و این اراده پولادین در کمین شما است. و اینبار با چشمانی باز و افقی روشن برای داشتن یک دنیای بهتر به میدان خواهند آمد و شما را با همه قوانین و مناسبات ضد زن، به زباله دان تاریخ خواهند انداخت.\*

### صیغه، نوع دیگری از بردگی جنسی

از صفحه ۱۲

رواج دارد. اما حتی اگر زنانی، بنا به شرایطی تن به فروش بدنشان داده اند حاضر به قبول خفت صیغه نبوده اند چرا که این زنان حاضر نیستند با قبول صیغه مهر بردگی اسلامی را بر خود داشته باشند. این زنان اگر چه مجبور به فروش بدنشان شده اند اما امید دارند که بتوانند با ادامه تحصیلات و یا هر امکان دیگر، ادامه زندگیشان را به شیوه ای انسانی بگذرانند و لی شما اختاپوس های اسلامی میخواهید با رواج صیغه مهر بردگی مطلق را بر سرنوشت بسیاری از زنان بکوبید همانطور که با بیشمرمی

تمام مراکز کسب و کارتان را در کنار شعبه های دیگر صنعت خود نظیر "مرقد امام رضا" و دیگر مراکز به قول خودتان "متبرکه" راه انداخته اید. و برای زنان و حتی دختر بچه های زیر چهارده سال نرخ تعیین می کنید. شرمستان باد! هراس شما از آنجاست که با رواج روابط آزاد میان دختران و پسران و با پیشرفت رسانه های اجتماعی از قبیل فیس بوک و توئیتر، حلقه های ارتباط آزاد جوانان، زمینه های تشکل های قوی و بنیان کنی باشد تا دودمان شما را بر باد دهد و شما را از خون یغمایی که بر آن چمبره زده اید، بیرون اندازد. و این دور نیست.\*

**سوسیالیسم پیا خیز!**  
**برای رفع تبعیض**

# انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

# نامه حمایتی اتحادیه کارگران صنعتی جهان شاخه ادمونتون کانادا از فراخوان شاهرخ زمانی



## سازمان ملل و بازی کثیف

زنده ماندن راهی جز این نداریم. قدم اول برای خلاص شدن از شر مواد مخدر نیز از نظر ما همین است که مسبب اصلی بلایا و آفتهای اجتماعی یعنی نظم سرمایه و حکومت آنرا ریشه کن کنیم. تمجید شما کمکی به این حکومت نمیکند اما به ما کمک میکند که حامیان این حکومت و این نظام کثیف را بهتر بشناسیم.\*

از صفحه ۳

به دلیل مصالح و بازیهای سیاسی از یک حکومت جنایتکار دفاع میکنید. شرم بر شما که از اعدام و کشتار یعنی قتل عمد دولتی که رسماً و عملاً علیه مردم ایران بکار میبرد دفاع میکنید. ما مردم این حکومت را خوب میشناسیم و جز به سرنگونی آن نمی اندیشیم. برای

اتحادیه صنعتی جهان بعنوان یک فدراسیون تشکلهای مستقل کارگری، قویا از مبارزات کارگران جهان حمایت میکند. مبارزه برای آینده ای آزاد از ستم و استثمار طبقاتی و جامعه ای جهانی که به منزلت و حقوق افراد برای زندگی دلخواه احترام بگذارد، هدف مبارزه ماست. حقوق کارگران، حقوق جهانشمول انسانی است و شاخه ادمونتون "کارگران صنعتی" مفتخر است که در کنار برادران و خواهران خود در "سندیکای نقاشان تهران" و "کمیته پیگیری تشکلهای کارگری" در ایران، ایستاده است.

ما فشار و زندانی کردن کارگرانی که میخواهند ایران بهتری بسازند را تقبیح میکنیم و خوشحالیم که صدایمان را به امواج رشد باینده صداهایی پیوند زنیم که آزادی فوری آقای زمانی و رفقاییش را طرح میکنند. ما بازم به جمهوری اسلامی تاکید میکنیم که به حقوق از نظر بین المللی شناخته شده کارگران ایران برای تشکل و تشکیل سندیکا احترام بگذارد و از دشمنی و فشار بر کارگران و فعالین اجتماعی که حقوق پایه ای خود را میخواهند دست بردارد.

بخش عضوگیری سراسری

کارگران صنعتی جهان -

ادمونتون کانادا

(ترجمه شده توسط کمپین برای

آزادی کارگران زندانی)

زمانی و سایر کارگران زندانی

آقای رئیس جمهور احمدی نژاد شاخه ادمونتون "کارگران صنعتی جهان" "ای دبلیو دبلیو" با شما تماس گرفته است تا تاکید کند که شاهرخ زمانی و سایر کارگران زندانی دستگیر شده در جمهوری اسلامی باید فوراً از زندان آزاد شوند. اتحادیه ما در جریان سرکوب حقوق کارگران در ایران هست و رفتار غیر انسانی با آقای شاهرخ زمانی را از نزدیک دنبال کرده است. "کارگران صنعتی جهان" قویا بکاربردن شکنجه را محکوم میکند و از اقداماتی که این حکومت برای تسلیم شاهرخ زمانی بکار گرفته است (نظیر بکارگیری اعمال غیرقانونی، و اتهامات جعلی و ساختگی برای بازداشت نامحدود او، استفاده از سلول انفرادی، شکنجه، تهدید به شکنجه، و محروم کردن از امتیازات معمول زندانیان، تهدید اعضای خانواده و دوستان و همکاران، و امثال اینها) اعلام انزجار میکند.

به شما یادآوری میکنیم که جمهوری اسلامی امضا کننده بیانیه حقوق بشر سازمان ملل است و ماده ۲۳ این بیانیه آشکارا اعلام میکند که "هرکس حق دارد اتحادیه تشکیل دهد و یا برای دفاع از منافع خود به اتحادیه ها بپیوندد". در نتیجه جمهوری اسلامی نه فقط تعهد اخلاقی دارد که به حقوق فردی کارگران احترام بگذارد، بلکه این یک وظیفه قانونی این حکومت است.

## اطلاعیه شماره ۸

بدنبال تلاشهای حبیب بکتاش از همکاران کمپین برای آزادی کارگران زندانی و تصمیم نشست ماهانه ۸ نوامبر اتحادیه کارگران صنعتی جهان (IWW) شاخه ادمونتون در دانشگاه آلبرتا مبنی بر حمایت از شاهرخ زمانی و کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در ایران، از سوی این اتحادیه نامه ای خطاب به مقامات ایران ارسال شده. این اتحادیه در نامه خود خواهان آزادی فوری شاهرخ زمانی و همه کارگران زندانی از زندان شده است. متن نامه ضمیمه است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، شهلا دانشفر  
Shahla\_daneshfar@yahoo.com

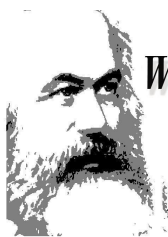
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی  
freeshahrookh@gmail.com

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی - سرور کاردار  
freepoliticalprisoners@googlemail.com

Mission Free Iran, Ahmad Fatemi  
missionfreeiran@gmail.com; http://missionfreeiran.org  
۲۰ نوامبر ۲۰۱۲

ترجمه فارسی متن نامه حمایتی اتحادیه کارگران صنعتی جهان شاخه ادمونتون کانادا از فراخوان شاهرخ زمانی:

در مورد آزادی فوری شاهرخ



**WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran  
www.wpiiran.org

# اساس سوسیالیسم انسان است!

## بازماندگان زلزله زیر هجوم برف و سرما و حاکمان اسلامی در فکر پر کردن جیبشان!



EHR

oto: Masoume Fariborzi

MEHR NEWS AGEN

تا کیسه گشادهشان را از قبل بیخانمان شدن هزاران انسان فلاکت زده پر کنند و خودشان و دسته و باند خودشان را پروار کنند.

مادران و پدران که کودکانشان و کودکانی که مادر و پدرشان را از دست داده اند؛ زنان و مردان کهنسال و کودکانی که همین الان زیر برف و سوز و سرما می‌لرزند، زلزله زدگانی که خشم طبیعت را پشت سر گذاشته اند اما همچنان قربانی مافیای اسلامی حاکم هستند به کمک ما مردم کل ایران و بخصوص ما مردم آذربایجان نیاز دارند. همچنانکه هنگام تکانهای شدید زلزله، ورزقان و اهر و روستاهایش را تنها نگذاشتیم، امروز هم نباید این هموعانمان را در مقابل نیرویی وحشی تر و خونریزتر از زلزله یعنی باندهای حکومت اسلامی تنها بگذاریم. به هر طریق ممکن باید به کمک بازماندگان زلزله بشتابیم.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۲۹ آبان ۱۳۹۱  
۱۹ نوامبر ۲۰۱۲

زدگان معرفی می کنند. باندهایی از رژیم با استناد به "کم کاریهای دولت" ادعا کرده اند که دولت توان بازسازی را ندارد در نتیجه سپاه و بسیج و ارگانهای نامبرده وارد صحنه شده اند.

همه کاره در این منطقه سپاه عاشورا می باشد که هزاران نیروی انتظامی در منطقه مستقر کرده است. حتی صدور مجوز برای خانه سازی، دریافت مصالح ساختمانی و... در دست این ارگان سرکوبگر می باشد. سپاه عاشورا بازسازی مناطق زلزله زده را کنتراست کرده است. بدون نظر سپاه عاشورا کاری انجام نمی شود. در همین رابطه است که جعفری فرمانده سپاه برای "تقویت" نقش این واحد سرکوبگر به منطقه میروید. براساس توافقات بین این باندها و دار و دسته های حکومتی تمام امورات بازسازی زیر نظر سپاه عاشورا و فرماندهی کل سپاه پاسداران و قرارگاه خاتم قرار دارد.

بازماندگان زلزله با برف و سرما و جانوران وحشی دست و پنجه نرم میکنند. باندهای حکومتی هم باهم رقابت میکنند

که روز سه شنبه جعفری فرمانده سپاه پاسداران به مناطق زلزله میروید و قرار است تعداد ۷۰۰ واحد مسکونی با حضور او به مردم واگذار گردد.  
\* دهقان، نماینده ورزقان در مجلس: "خرابی های ورزقان به قدری گسترده و حجیم است که هنوز همه حادثه دیدگان اسکان داده نشده اند و دولت تنها ۱۵ درصد از مسکن ها را آماده سازی و تحویل داده است!"

\* فرماندار ورزقان: "ورزقانی ها به پتو و لباس گرم نیاز دارند و از مردم میخواهیم کمک نمایند!"

\* و حتما یادتان هست که احمدی نژاد هم گفته بود که جمهوری اسلامی در کل دنیا در زمینه مقابله با حوادث طبیعی هم در گذشته و هم در آینده رکورد شکسته است!!

اینها جدیدترین اظهارات مقامات و دست اندکاران حکومتی پیرامون وضعیت مناطق زلزله زده می باشد. دار و دسته ها و باندهای رنگارنگ حکومتی که در مناطق زلزله زده مشغول "بازسازی به شیوه حکومت" هستند، وارد جنگ و رقابت با همدیگر برای سوء استفاده از

بیش از سه ماه از زلزله آذربایجان می گذرد. برف بر روی چادرها نشسته است و سوز زمستان زیر پوست کودکان دویده است. اگر چه سرما و برف بلاي جان هزاران نفر که در چادرها زندگی می کنند شده است اما همچنان خبری از بازسازی مناطق زلزله زده نیست و همه وعده های حکومتی دروغ از آب در آمده اند. فضا و جو اعتراضی در میان مردم بالاست. تنها کاری که این حکومت کرده امنیتی کردن فضا از طریق استقرار هزاران نیروی نظامی در منطقه است. مقامات و مسئولان رژیم همچنان و در کمال وقاحت یا دروغ میگویند و یا با متهم کردن باند مقابل به این حقیقت اعتراف میکنند که هیچ کمکی به بازسازی منطقه نشده است و البته در این میان و بر روی آوار هزاران خانه و هزاران بیخانمان دارند با همدیگر تصفیه حساب سیاسی میکنند. به چند نمونه از جدیدترین اظهارات مقامات توجه کنید:

\* جمشید پوریان فرمانده سپاه عاشورا: "روندی که سازندگی زلزله ورزقان طی کرد در آمریکا و اروپا نیز نظیر نداشت و در هیچ کجای دنیا برای ساخت منازل خود زلزله زدگان به آنان حقوق پرداخت نمی شود." او همچنین اعلام کرد



## علیه جنگ در کردستان عراق فعالانه بایستیم!

خطر جنگ و کشتار يك بار دیگر بر کردستان عراق سایه افکنده است. مدتهاست که کشمکش و اختلافات عمیقی در مورد مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی و اساسا پیرامون حوزه اختیارات دولت مرکزی عراق و دولت اقلیم کردستان در جریان است. این کشاکش ها به دنبال درگیری نظامی روز جمعه گذشته ۲۶ آبان میان نیروهای دولتی موسوم به "فرماندهی عملیات دجله" و گروهی از نیروهای مسلح "دولت اقلیم کردستان" در منطقه ای بنام "توز خرماتو" در استان کرکوک ابعاد نظامی خطرناکتری به خود گرفت. اکنون دو طرف نیروهایشان را به حالت آماده باش در آورده و حالت جنگی به خود گرفته اند. "فرماندهی عملیات دجله" نیرویی نظامی است که نوری مالکی و شرکا برای عملیات در کردستان سازمان داده اند و تشکیل این نیرو نیز خود به عنوان اقدامی جنگ طلبانه علیه نیروهای "دولت اقلیم کردستان" تلقی شده و نزاع را حادث کرده است. گسیل نیروهای بیشتر از هردو به مناطق محل تلاقی، تهدیدات و رجزخوانی های جنگی و قطب بندی های حاد در بالای حکومت بر سر این موضوع، شرایطی ایجاد کرده است که بیم آن می رود هر لحظه جنگ گسترده ای در منطقه کردستان عراق میان نیروهای دولت مرکزی و دولت موسوم به "اقلیم کردستان" زبانه بکشد. نوری مالکی نخست وزیر و وابسته به سازمان اسلامی حزب الدعوه، و مسعود بارزانی رئیس حزب دموکرات کردستان عراق در راس این کشاکش قرار دارند و

نیروها و دولتهای مختلف منطقه از جمله جمهوری اسلامی و دولت ترکیه و دولت آمریکا نیز هرکدام به نحوی در این فضای جنگ و کشاکش تاثیرگذار و فعالند و جانب طرفی را میگیرند و منافع و مصالح خود را دنبال میکنند. کشاکشی که جریان دارد يك کشاکش ارتجاعی و ضد مردمی بر سر دامنه قدرت و میزان سیطره بر چاههای نفت و دیگر منابع اقتصادی و نهادهای دولتی توسط هرکدام از طرفین است. تجربه چند سال اخیر نشان داده است که هم جریانات اسلامی و شیعی دست اندرکار دولت عراق و هم نیروهای ناسیونالیست کرد، سرسوزنی در پی آزادی و رفاه و رفع تبعیض و ستم علیه هیچ بخشی از مردم عراق نیستند. برعکس هردوسوی این کشاکش اساسا و ماهیتا از يك جنسند و بخشی از نیروهای مرتجع ناسیونالیست و مذهبی و قومی ای هستند که پروژه نظم نوین آمریکا و دولت بوش بر سر مردم حاکم کرده است. اینها نیروهایی هستند که طی همین سالها بارها و بارها علیه مردمی که حقوق خود را میخواهند دست به تعرض زده و جنایت کرده اند. در کردستان عراق بارها شاهد تعرض حزب دموکرات بارزانی و اتحادیه میهنی طالبانی به تجمعات و حقوق زنان، بیکاران، روزنامه نگاران و سرکوب همه تشکلهای مستقل مردمی بوده ایم. دولت مالکی و متحدینش هم تا آنجا که امکان ابراز وجود به عنوان دولت داشته است، ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی خود را بارها و بارها آشکارا بروز داده است. اکنون دولت مالکی در تلاش

است اگر بتواند کردستان را همچون دولت صدام به زیر سیطره خود بکشد و عملا دست به لشکرکشی زده است. نیروهای ناسیونالیست کرد نیز منطقه کردستان را ملک طلق خود میدانند و در عین حال که به مردم این مناطق امکان ذره ای ابراز وجود نمیدهند میخواهند آنها را به سپربلای قدرت گیری خود تبدیل کنند و مردم را قربانی سیاست ها و اهداف ارتجاعی خود نمایند. حزب کمونیست کارگری مردم سراسر عراق را فرامیخواند که قاطعانه به میدان بیایند و مانع شروع جنگ شوند. مردم عراق و بویژه مردم کردستان عراق میتوانند جلوی این جنگ را بگیرند و اجازه ندهند زندگی شان بیش از این بازچه حاکمان مرتجع در عراق و کردستان عراق قرار گیرد. باید میادین همه شهرها را به صحنه تجمعات اعتراضی وسیع علیه فضای جنگی و علیه هر دو سوی این کشمکش تبدیل کرد. حزب کمونیست کارگری با توجه به تاریخ طولانی جنگ و جنایت و تبعیض و نفرت پراکنی ملی و قومی در این منطقه، از استقلال کردستان عراق دفاع میکند و همه مردم در کردستان عراق و سراسر این کشور را به دفاع از این راه حل فرا میخواند. برپایی يك دولت مستقل غیر قومی و غیر مذهبی و متکی به شوراهای مردم، تنها راهی است که میتواند به تاریخ بی پایان جنگ و کشاکش و نا امنی و آوارگی و ستم و تبعیض علیه مردم کردستان عراق پایان دهد. حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم در کردستان و در سراسر

## مشخصات کانال جدید در شبکه کرد کانال به قرار زیر است:

### مشخصات ماهواره:

هات برد :

فرکانس ۱۱۶۴۲

اف ای سی ۵/۶ افقی سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

شبکه kurd channel

### ساعات پخش:

نه و نیم تا یازده و نیم شب به وقت ایران  
معادل ۷ تا ۹ شب به وقت اروپای مرکزی

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

تلویزیون کانال جدید همچنین از طریق  
اینترنت قابل مشاهده است.

www.newchannel.tv  
www.rowzane.com

عراق، و همچنین مردم ایران و جلوی فاجعه علیه مردم محروم و سراسر جهان را به مقابله با خطر ستم کشیده کردستان عراق را جنگ و کشتار در کردستان عراق گرفت.

فرا میخواند. ما تردیدی نداریم که میتوان به عنوان نیروی سوم فعالانه در برابر هردو سوی ارتجاع قومی و مذهبی و نظم نوینی به میدان آمد و

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ آذر ۱۳۹۱

۲۲ نوامبر ۲۰۱۲

### انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!